

سنجش اعتبار جرم‌انگاری قاچاق مواد مخدر بر اساس مؤلفه‌های قانونیت، مشروعیت و کارآمدی*

□ حسن طغرانگار^۱

چکیده

جرم‌انگاری فرایندی است که بر اساس آن، عنوان مجرمانه جدیدی به سیاهه جرایم افزوده می‌شود. در نگاه نخست، این فرایند با ظهور عنوان مجرمانه جدید خاتمه می‌یابد. اما برخی معتقدند زمانی می‌توان از فرجام درست و قابل قبول جرم‌انگاری سخن به میان آورد که اعتبار لازم را بر اساس سه مؤلفه قانونیت، مشروعیت و کارآمدی کسب نماید. در غیر این صورت، جرم‌انگاری را نمی‌توان فرایندی خاتمه‌یافته تلقی کرد و باقی ماندن عنوان مجرمانه ناشی از آن در فهرست عناوین مجرمانه، بدون توجیه خواهد بود. ارزیابی اعتبار «جرم‌انگاری قاچاق مواد مخدر» از منظر سه مؤلفه مورد نظر، وضعیتی را ترسیم می‌کند که با توجه به اهمیت و گستردگی آثار و تبعات حقوقی، اجتماعی و حتی سیاسی آن، ضرورت اتخاذ برخی تدابیر اصلاحی را به خوبی نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: قاچاق مواد مخدر، جرم‌انگاری، سیاست جنایی، قانونیت،

مشروعیت، کارآمدی.

مقدمه

جرایم مربوط به مواد مخدر از معضلات مهم فراروی اغلب نظام‌های عدالت کیفری، از جمله ایران است (صبوری‌پور، ۱۳۹۸: ۶۴۰). چگونگی بزه‌انگاری (جرم‌انگاری / تخلف‌انگاری) تولید، توزیع و مصرف مواد مخدر و ضمانت‌اجراگذاری (پاسخ‌گذاری) درست برای کنترلشان و همین‌طور نحوه برقراری توازن و تعادل مناسب میان تدابیر کنش‌مدار و واکنش‌مدار در برابر آن‌ها، یک بحث پویای جهانی است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹: ۱۶/۱). اغلب به منظور پاسخ‌دهی سنجیده‌تر به جرایم ناشی از مواد مخدر، بین مصرف مواد مزبور و تولید و توزیع آن‌ها تفکیک صورت می‌گیرد. مسئولیت مقابله با مصرف بر عهده شاخه‌های مختلف حقوق، علوم پزشکی، تربیتی، ورزشی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و... گذاشته می‌شود؛ اما مسئولیت اصلی مبارزه با عرضه را حقوق کیفری عهده‌دار می‌شود (رحمدل، ۱۳۹۵ الف: ۲۰).

سیاست جنایی ایران در برابر مواد مخدر نیز از چنین الگو و تفکیکی تبعیت کرده است. صرف‌نظر از برخی چالش‌های نظری قابل طرح درباره وجاهت و اعتبار چنین تفکیکی (طهران‌گار، ۱۳۹۷: ۲۲۳)، مبارزه با عرضه و مقابله با مصرف، علی‌رغم همه تفاوت‌ها در یک نقطه مشترک تلاقی می‌کنند.

هر دو، نتیجه و پیامد یک تصمیم هستند؛ یعنی انتخاب رژیم ممنوعیت مواد از بین گزینه‌های مختلف قابل انتخاب برای مواجهه با مواد مخدر. لذا می‌توان پرسید که چنانچه مجموعه‌ای از تصمیم‌ها^۱ گرفته نمی‌شدند، آیا امروزه چیزی تحت عنوان

۱. در دوره پیشاصفوی، مصرف افیون (تریاک) در جامعه ایرانی اندک بود و عمدتاً مصرف درمانی داشت، ولی مصرف مسکرات علی‌رغم ممنوعیت شرعی رایج بود و حتی با روی کار آمدن صفویه و پذیرش تشیع به عنوان مذهب رسمی، تا مدت‌ها این رسم رواج داشت. ولی بنا به دلایلی، شاه‌تھماسب اول «تصمیم» گرفت با صدور فرمانی، مصرف مسکرات را ممنوع کند. نتیجه تصمیم وی این بود که علاوه بر نخبگان حکومتی، اقشاری از عموم مردم نیز به عنوان جایگزینی حلال برای مسکرات، به مصرف تفنی و لذت‌جویانه افیون روی آوردند؛ زیرا «در این دوره هیچ مانع سیاسی یا مذهبی از سوی حکومت و علمای مذهبی برای استعمال افیون وجود نداشت» (تابش، آقاجری و حسنی، ۱۳۹۶: ۵۷).

«جرایم مواد مخدر» وجود داشت؟ آیا ممکن است روزی قانون‌گذار «تصمیم» بگیرد از تصمیم‌های قبلی خود برگردد؟ چنین کاری با توجه به ملاحظات شرعی، اجتماعی و تعهدات بین‌المللی، بسیار دشوار به نظر می‌رسد، اما غیر ممکن و غیر محتمل هم نیست؛ همچنان که پرتغال از مصرف و حمل مواد تا اندازه‌ای معین، جرم‌زدایی کرده است و برخی امکان‌سنجی اجرای سیاستی مشابه در ایران را بررسی کرده‌اند (اکبری‌جور، ۱۳۹۴: ۳).

به هر حال، مجموعه گسترده جرایم مواد مخدر، شاخ و برگ‌های پیرامونی یک «تصمیم» یعنی انتخاب رژیم ممنوعیت هستند و با تصمیم بر لغو رژیم ممنوعیت، اثری از آن‌ها باقی نخواهد ماند.^۱

اما در هر صورت، بررسی شیوه‌های مناسب پاسخ‌دهی به مصرف مواد مخدر یا واکاوی مبانی و تحولات رژیم ممنوعیت مواد مخدر، موضوع نوشتار حاضر نیست؛ بلکه تمرکز آن بر قاچاق مواد مخدر است.

→ تجارت و مصرف تریاک در ایران از همان زمان رونق گرفت. مدتی بعد، تریاک به عنوان یک محصول سودآور، در اقتصاد ایران دوره قاجار به شکل گسترده‌ای تجاری شد و به یکی از اقلام اصلی صادراتی بدل گشت (دهقان حسام‌پور و رنجبر، ۱۳۹۵: ۶۹)؛ به گونه‌ای که در سال ۱۸۹۹ م. درآمد ایران از محل صادرات تریاک به ۱،۹۰۰،۰۰۰ تومان رسید. در حالی که کل صادرات ایران ۷،۴۰۰،۰۰۰ تومان بود (رنجبر، ۱۳۷۳: ۱۸). در سال ۱۲۸۹ (۱۹۱۰ م.) دولت وقت ایران به دنبال کنفرانس شانگهای و تعهدات بین‌المللی ناشی از آن، «تصمیم» گرفت محدودیت‌هایی را برای تجارت تریاک اعمال کند که با مخالفت‌های شدید تجار و اقشاری از جامعه مواجه شد (علم و حاجی‌آبادی، ۱۳۹۵: ۷۹). سپس «تصمیم» گرفت تجارت تریاک را به انحصار خود درآورد (ماده ۱ قانون انحصار دولتی تریاک مصوب ۱۳۰۷). بعدها «تصمیم» به جرم‌انگاری تجارت تریاک و برخی مواد دیگر گرفت و به تدریج بر شدت مجازات‌ها افزوده شد. سپس بر اثر ناکامی در کنترل عرضه و در پرتو سیاست کاهش آسیب، «تصمیم»‌هایی مانند توزیع کوپنی تریاک و یا توزیع دولتی «متادون» اتخاذ شدند که چنین تدابیری، دولت را به بزرگ‌ترین تاجر مواد مخدر تبدیل کرد و به لحاظ نظری، باعث طرح این پرسش شد که این تاجر بزرگ، چگونه و با چه منطقی می‌تواند خرده تاجرهای مواد مخدر را با چنین شدتی مجازات کند (Toghranegar, 2012: 457).

۱. شاید اشاره به این موضوع خالی از فایده نباشد که به شیوه‌ای مشابه با مواد مخدر، تجارت مشروبات الکلی نیز در برخی کشورهای غربی از جمله ایالات متحده آمریکا ممنوع شد. نتیجه، زیرزمینی شدن تجارت و ظهور گروه‌های مافیایی و آل‌کاپون بود. به سبب پیامدهای ناگوارتر رژیم ممنوعیت در مقایسه با آثار زیانبار مشروبات الکلی، «تصمیم» بر این شد که وضع سابق اعاده شود. اثری از «جرم‌انگاری قاچاق الکل» نماند، اما جرم سازمان‌یافته متولدشده بر اثر آن ماندگار شد.

در قوانین کشور، جرمی تحت عنوان «قاچاق مواد مخدر» وجود ندارد^۱ و باید از جرایم قاچاق مواد مخدر سخن به میان آورد که ناظر بر مجموعه‌ای از اعمال مجرمانه متنوع است. در واقع، حقوق کیفری مواد مخدر مبتنی بر فهرستی پرشمار از «مواد» ممنوع^۲ و مجموعه‌ای به نسبت گسترده از «اعمال» جرم‌انگاری شده در خصوص آن‌ها می‌باشد (طغرانگار، ۱۳۹۷: ۲۲۴) که یک مجموعه گسترده و پرشاخ و برگ را تشکیل داده‌اند. حقوق‌دانان ایرانی برای اشاره به این ساختار بزرگ و پیچیده عموماً از اصطلاح «جرایم مواد مخدر» استفاده می‌نمایند که عبارت است از: هر گونه کشت، ساخت و تبدیل، نقل و انتقال، خرید و فروش، اخفا و نگهداری و استعمال یا مداخله در مواد مخدر (رحمدل، ۱۳۹۵ الف: ۳۲)، که به نظر می‌رسد به جز استعمال، سایر عناوین را بتوان ذیل «جرایم قاچاق مواد مخدر» قرار داد (همو، ۱۳۹۵ ب: ۲۱۰) و همه آن‌ها را نتایج جرم‌انگاری قاچاق مواد مخدر محسوب نمود.

نکته مهمی که در ارتباط با قاچاق مواد مخدر قابل توجه به نظر می‌رسد، هزینه‌های چندگانه‌ای است که جمهوری اسلامی ایران برای مبارزه با آن پرداخت می‌کند. علاوه بر همسایگی با افغانستان به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده مواد افیونی در جهان و قرار گرفتن در مسیر ترانزیت این مواد به کشورهای غربی، وجود دو میلیون و هشتصد هزار

۱. در مصوبات مربوط به مواد مخدر، در چند مورد به لفظ قاچاق اشاره شده است، بدون اینکه تعریفی از آن ارائه شود. در ماده ۱۱ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۷ آمده است که مجازات اقدام به قاچاق مواد مخدر موضوع این قانون به طور مسلحانه، اعدام است. طبق ماده ۲۸ همان قانون نیز کلیه اموال تحصیل شده از راه قاچاق مواد مخدر به نفع دولت ضبط خواهد شد. در ماده ۳۳ قانون نیز مقرر شده است که به منظور پیشگیری از اعتیاد و مبارزه با قاچاق مواد مخدر، ستادی به نام ستاد مبارزه با مواد مخدر تشکیل خواهد شد. کنوانسیون‌های مواد مخدر نیز تعریف روشنی از قاچاق مواد مخدر ارائه نداده و با اشاره به مفهوم وسیعی از آن صرفاً به ذکر فهرستی از اعمال اشاره کرده‌اند. از نظر کنوانسیون واحد ۱۹۶۱ (ماده ۱، بند ل) «اصطلاح "قاچاق" یعنی کشت یا هر دادوستد مواد مخدر که بر خلاف هدف‌های این قرارداد انجام گیرد». در ماده ۳۶ نیز مصادیقی از آن ذکر شده‌اند. از نظر کنوانسیون ۱۹۸۸ (ماده ۱، بند ز) اصطلاح قاچاق به معنای جرائم مندرجه در بندهای ۱ و ۲ ماده ۳ این کنوانسیون می‌باشد. در ماده سه به مصادیق متعدد و متکثری اشاره شده است.

۲. تا کنون حدود ۷۰۰ ماده مخدر شناسایی شده‌اند. فهرست‌هایی از این مواد، هسته حقوق کیفری مواد مخدر را تشکیل می‌دهند و بدیهی است که هر گونه تغییر در این فهرست‌ها، قلمرو «جرایم مواد مخدر» را تغییر خواهد داد. لذا می‌توان از مرزهای شکننده سیاست جنایی در برابر مواد مخدر سخن به میان آورد (طغرانگار، ۱۳۹۲).

مصرف کننده مواد مخدر در کشور،^۱ قاچاق مواد مخدر را خواه در سطح باندهای بزرگ بین‌المللی و خواه در سطح خرده‌فروشی و توزیع خیابانی، به چالشی عمده برای نظام عدالت کیفری تبدیل می‌سازد. هزینه‌های این مبارزه برای کشور بسیار سنگین است. شهادت ۳۸۱۱ نفر از اعضای نیروهای انتظامی، نظامی و امنیتی، و جانبازی حدود ۱۲۰۰۰ نفر از آن‌ها، وسعت هزینه‌های انسانی مبارزه را نشان می‌دهد (رحیم‌نظری، ۱۳۹۷: ۲)؛ ضمن آنکه زندانی شدن تعداد زیادی از افراد به سبب جرایم مواد مخدر، جنبه دیگری از هزینه‌های انسانی را به تصویر می‌کشد.^۲ هزینه‌های مادی مبارزه نیز بسیار سنگین است.^۳ پارادوکس حاکم بر مبارزه شدید با قاچاق مواد مخدر این است که به نظر برخی، توقعات و انتظارات مردمی و بین‌المللی، نقش زیادی در شکل‌گیری چنین رویکرد سرکوبگرانه‌ای داشته است؛ اما از سوی هر دوی آن‌ها نیز در معرض نقد است. شدت عمل بی‌سابقه در برخورد با قاچاق مواد مخدر و به ویژه ورود مجازات اعدام به قلمرو جرایم مواد مخدر در سال ۱۳۳۸، بر اثر فشاری صورت گرفت که هم از طرف جامعه داخلی و هم مراجع بین‌المللی به دولت ایران وارد شد (رحمدل، ۱۳۸۵: ۱۴۹). از منظر توقعات داخلی، این واقعیت را نباید از نظر دور داشت که به طور کلی تدابیر ناظر بر مبارزه با مواد مخدر، به سبب تأثیر مستقیم مصرف و تجارت مواد بر امنیت روانی عموم افراد جامعه، از حوزه‌های مستعد نفوذ رویکردهای عوام‌گرایانه است (فرجیها و مقدسی، ۱۳۹۳: ۲۷). بر همین اساس، برخی معتقدند که مهم‌ترین عامل تصویب قانون مبارزه با مواد مخدر ۱۳۶۸ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام، خواست عمومی مردم برای مبارزه با کاروان‌های واردکننده و باندهای توزیع‌کننده مواد مخدر در کنار پشتیبانی

۱. بنا به اظهار رئیس سازمان بهزیستی کشور در مراسم افتتاحیه طرح دادگاه درمان‌مدار در یزد، طبق آمار علمی، ۲ میلیون و ۸۰۸ هزار نفر دچار بیماری اعتیاد هستند (ایران‌پاک، ۱۳۹۶: ش ۱۹/۱۲۲).
۲. دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر در نشستی با رئیس مجلس شورای اسلامی در آذرماه ۱۳۹۷، اظهار داشت که در مهرماه سال ۱۳۹۷، تعداد ۲۴۰ هزار زندانی در کشور ثبت شده است که ۷۰ درصد آن‌ها به نوعی با مواد مخدر مرتبط بوده‌اند (ایران‌پاک، ۱۳۹۷: ش ۶/۱۳۱).
۳. به گفته دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر، برخی برآوردها نشان می‌دهند که هزینه سالانه مواد مخدر برای کشور، ۱۹۹ هزار میلیارد تومان معادل ۱۱/۷ درصد تولید ناخالص ملی است (ایران‌پاک، ۱۳۹۷: ش ۵/۱۳۰). مبارزه با توزیع مواد مخدر در ایران نیز سالانه هزینه‌ای بالغ بر ۵۶۰ میلیون دلار بر کشور تحمیل می‌کند (ایران‌پاک، ۱۳۹۰: ش ۵/۴۸).

روانی - تبلیغی صدا و سیما بود (نزهتی، ۱۳۹۵: ۱۰۹).

از منظر تعهدات بین‌المللی نیز علی‌رغم اینکه مواجهه اغلب نظام‌های عدالت کیفری در برابر هنجارهای کیفری بین‌المللی با کمی احتیاط و گاه نوعی بدگمانی همراه است (Bouquemon, 2003: 23)، نظام عدالت کیفری ایران به صورتی استثنایی و بر خلاف رویه متعارف خود در خصوص معاهدات بین‌المللی، در برابر کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط با مواد مخدر به ویژه کنوانسیون ۱۹۸۸، انعطافی بی‌سابقه نشان داده است (Pourzand, 2008: 238). با این حال، تأمل در برخی اظهارات مقامات مسئول در مبارزه با قاچاق مواد مخدر نشان می‌دهد که مبارزه شدید با قاچاق مواد مخدر علی‌رغم همه هزینه‌های سنگین آن، نه تنها قدرشناسی مناسب و کافی را به دنبال نداشته است، بلکه به گونه‌ای متعارض نما، هزینه‌های افزون‌تری را به کشور تحمیل کرده است.

در بستر داخلی، موضوع در حد یک انتظار نقادانه مطرح است. دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر، ضمن اشاره به وسعت و ابعاد فعالیت‌های صورت گرفته برای مبارزه با مواد مخدر به این نکته اشاره می‌کند که وقتی مردم در پارک‌ها و سایر فضاهای عمومی، مصرف و خرید و فروش مواد مخدر را مشاهده می‌کنند، باورپذیری اقدامات ۲۴ نهاد متولی مبارزه با مواد مخدر برای آن‌ها دشوار می‌شود (ایران‌پاک، ۱۳۹۷: ۲۰).^۱ رئیس مجلس شورای اسلامی نیز در دیدار با اعضای ستاد مبارزه با مواد مخدر، به این موضوع اشاره می‌نماید که گاهی گفته می‌شود در مبارزه با مواد مخدر ناموفق بوده‌ایم. به هر حال رویکرد اولیه در مبارزه با مواد مخدر، امیدواری به نتیجه‌بخش بودن برخورد شدید بود، اما به هدفی که می‌خواستیم، نرسیدیم. لذا ایشان ضمن تأکید بر ضرورت تغییر رویکرد، به اعضای ستاد توصیه می‌کند که بررسی عالمانه‌ای در خصوص سایر روش‌های مبارزه داشته باشند (همان: ۵). ستاد در سال‌های اخیر تلاش داشته است طرح اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر را به عنوان راهبرد اساسی خود مطرح نماید تا با

۱. دکتر پرویز افشار، معاون کاهش تقاضا و توسعه مشارکت‌های مردمی ستاد مبارزه با مواد مخدر در اظهاراتی مشابه بیان می‌کند که علی‌رغم همه تلاش‌ها در مقابله با عرضه مواد مخدر، همچنان با فراوانی مواد مخدر و دسترسی آسان به آن‌ها مواجه هستیم. این امر تأثیر نامطلوبی بر ذهنیت مردم نسبت به اثربخشی مبارزه دارد (خبرگزاری ایسنا، چهارشنبه ۲۴ تیر ۱۳۹۴، کد خبر ۹۴۰۴۲۴۱۳۲۰۸).

مشارکت دادن مردم در مبارزه با مواد مخدر به ویژه مصرف مواد مخدر، از یک سو از ظرفیت‌های مردمی و سمن‌ها استفاده نماید و از سوی دیگر گروه‌های مختلف جامعه را با دشواری‌های مسئله پیچیده مواد مخدر آشنا سازد (رحیم‌نظری، ۱۳۹۶: ۲).

اما در بستر بین‌المللی، کار دشوارتر است. از نظر مسئولان کشور، جمهوری اسلامی ایران، بار مبارزه قاطع با قاچاق مواد مخدر را به تنهایی به دوش می‌کشد، در حالی که تنها منتفع این مبارزه نیست؛ بلکه کشورهای مختلفی از مبارزه بی‌امان ایران با قاچاق مواد مخدر به ویژه ترانزیت تریاک و هرویین افغانستان به سمت اروپا سود می‌برند. آنچه که تعجب مقامات ایرانی را برمی‌انگیزد این است که در برابر مبارزه ایران با مواد مخدر به نیابت از دنیا،^۱ اولاً از به رسمیت شناختن کامل این مبارزه سر باز می‌زنند و ثانیاً از همراهی با ایران در این مبارزه خودداری می‌کنند؛ برای مثال، با عدم ارائه تجهیزات لازم به ایران به بهانه تحریم‌ها، در عمل به برتری فناوریانه قاچاقچیان در برابر نیروهای نظامی و انتظامی کمک می‌کنند. اما در کنار این دو موضوع، مهم‌ترین بحث این است که با غلبه برخی نگرش‌های سیاسی به حوزه مواد مخدر و سوءاستفاده برخی کشورها از این موضوع، مبارزه ایران با قاچاق مواد مخدر به ابزاری برای تحمیل فشارهای حقوق بشری به کشور تبدیل می‌شود.^۲

۱. وزیر کشور در همایش رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور با عنوان «گسترش هدفمند دیپلماسی و ارتباطات خارجی» اظهار داشت: «در حالی که ایران به تنهایی به نیابت از دنیا در حال مبارزه با مواد مخدر است، هیچ یک از سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای اروپایی به وظایف خود در این زمینه عمل نکرده‌اند» (ایران‌پاک، ۱۳۹۷: ش ۱۱۹).

۲. دادستان کل کشور در مراسم روز جهانی مبارزه با مواد مخدر در تیرماه ۱۳۹۵ اظهار داشت: «دنیای استکبار و استعمار که صحنه‌گردان این جریان است... چرا به کشور ایران که در سطح جهان، رتبه اول مبارزه با مواد مخدر را دارد، کمک نمی‌کند؟ ما از کشورهای دیگر انتظاری نداریم. خوشبختانه پتانسیل‌های ارزشمندی در کشور داریم که خودمان می‌توانیم برای برخورد با این بلای خانمانسوز هزینه کنیم، اما حداقل درخواستمان از مدعیان دروغین حقوق بشر این است که اگر دست ما را نمی‌گیرند، لاقلاً پای ما را هم نگیرند... یکی از ابزارهایی که سال‌هاست علیه کشور ما با استفاده از آن مانور می‌دهند، مسئله حقوق بشر در ایران است... ما طرفدار اعدام نیستیم و اعدام را امری پسندیده و مطلوب نمی‌دانیم، اما کسی که رفاه خود را مقدم بر حیات دیگری می‌داند، برای این فرد با این تفکر نمی‌توان حقی در نظر گرفت در حالی که با انجام اعدام، ایران به یک کشور ضد حقوق بشر تبدیل می‌شود و علیه ما قطعنامه‌های رنگارنگ صادر می‌شود» (ایران‌پاک، ۱۳۹۵: ش ۷/۱۰۲).

از نظر برخی نویسندگان، چنین مباحثی در کنار بازتاب تعداد محکومان به اعدام جرایم مواد مخدر در رسانه‌ها و محافل سیاسی،^۱ در تدوین «طرح اصلاح مجازات اعدام از قانون مبارزه با مواد مخدر» و اعلام وصول آن در تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۱ بی‌تأثیر نبودند (صادقی، ۱۳۹۷: ۱۲۲).

در چنین وضعیتی، قاچاق مواد مخدر فراتر از یک چالش عادی برای نظام عدالت کیفری مطرح می‌شود. اما در محور همه این مباحث و مسائل، جرم‌انگاری قاچاق مواد مخدر به عنوان انتخاب قانون‌گذار برای مبارزه کیفری با این پدیده مجرمانه قرار می‌گیرد. اغلب این دیدگاه مطرح می‌شود که در برابر تجارت مواد مخدر، جز پاسخ کیفری، پاسخ دیگری نمی‌تواند متصور باشد. از نظر برخی، هیچ عقل سلیمی نمی‌تواند مخالف رویکرد سرکوبگرانه جدی در برابر قاچاق مواد مخدر باشد (رحیم‌نظری، ۱۳۹۷: ۲). زمانی، در خصوص مصرف مواد مخدر نیز چنین نگرشی وجود داشت. تجربه مبارزه با مصرف مواد مخدر، ناکامی چنین رویکردی را نشان داد. اتخاذ راهبردهای خروج برای برون‌رفت مصرف‌کنندگان مواد مخدر از فرایند کیفری، پاسخی برای این ناکامی است (زوبر و شومن، ۱۳۹۸: ۲۸). آموزه مهم چنین آزمون و خطاهایی می‌تواند این باشد که جرم‌انگاری را نباید امری ایستا و ثابت تلقی کرد؛ بلکه به عکس باید آن را فرایندی پویا و متحول محسوب نمود.

قاچاق مواد مخدر پدیده پیچیده و غامضی است که به عنوان مصداقی از «ارائه کالاها و خدمات غیر قانونی یا ارائه غیر قانونی کالاها و خدمات» می‌تواند گونه‌ای از جرایم اقتصادی نیز محسوب شود (بهره‌مند، ۱۳۹۷: ۵۴). ماهیت این جرایم، دانش‌بنیان بودن پاسخ‌دهی‌های کنشی و واکنشی به آن‌ها را ضروری می‌سازد (نیازپور، ۱۳۹۷: ۴۸۴). برخی ملاحظات نظری، در نگاه نخست ممکن است چندان مهم به نظر نرسند، اما به مرور زمان پیامدهای نامطلوب عملی در پی خواهند داشت؛ ضمن آنکه بهانه لازم برای منتقدان فرصت‌طلب بیرونی را نیز فراهم خواهند ساخت. از همین رو، بازخوانی انتقادی جرم‌انگاری قاچاق مواد مخدر می‌تواند نقاط قوت و ضعف آن را آشکار سازد.

۱. طبق اعلام نایب‌رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی، در فروردین ۱۳۹۶ تعداد محکومان منتظر اعدام ۵۳۰۰ نفر بود (صادقی، ۱۳۹۷: ۱۲۲).

برخی ایرادات با تدابیری ساده قابل رفع‌اند و بی‌توجهی به آن‌ها چندان قابل توجیه نیست. برخی دیگر نیازمند مطالعات و بررسی‌های عمیق‌تر هستند.

ارزیابی و سنجش اعتبار^۱ یک جرم‌انگاری بر اساس سه مؤلفه قانونیت (یا قانونمندی)^۲، مشروعیت^۳ و کارآمدی^۴ (Ost & Kerchove, 2002: 324)، معیار مناسبی است که می‌تواند بستر نظری قابل قبولی را برای تحلیل جرم‌انگاری قاچاق مواد مخدر فراهم سازد. این جرم‌انگاری به مثابه هر هنجار کیفری باید از هر سه مؤلفه، نمره قابل قبولی بگیرد تا اعتبار آن مورد شناسایی قرار گیرد. در غیر این صورت، خروج آن از سیاهه جرایم موجه‌تر به نظر خواهد رسید. دو معیار قانونیت و مشروعیت، قبل، حین و بعد از جرم‌انگاری می‌توانند مطرح شوند که ناشی از ماهیت عمدتاً نظری مباحث مربوط به آن‌هاست. اما ارزیابی اعتبار یک جرم‌انگاری بر اساس معیار کارآمدی، منوط به حصول برخی نتایج عملی است. هرچند توسعه علوم مختلف به ویژه روش‌های اقتصادی و مدیریتی در تحقیقات اجتماعی می‌تواند ارزیابی و پیش‌بینی نتایج یک جرم‌انگاری را قبل از تصویب یک قانون نیز امکان‌پذیر سازد، اما به دلیل پیچیدگی‌های مسائل اجتماعی، گاهی ممکن است چنین پیش‌بینی‌هایی نادرست از آب درآیند و در حد فرضیه باشند. ضمن آنکه گاهی بین متخصصان نیز در این زمینه‌ها اختلاف نظرهایی وجود دارد. اما با اجرایی شدن یک جرم‌انگاری و مشخص شدن عینی پیامدهای مطلوب و نامطلوب آن و هزینه‌ها و سودهای مختلف حاصل از اجرای آن، امکان ارزیابی دقیق‌تر کارآمدی یک جرم‌انگاری و در نتیجه سنجش جامع اعتبار آن فراهم می‌شود. گستردگی و اهمیت ابعاد مختلف حقوقی و جرم‌شناختی جرم‌انگاری قاچاق مواد مخدر به گونه‌ای است که سنجش اعتبار آن را از منظر سه ضابطه پیش‌گفته، البته به شکلی اجمالی و محدود، توجیه‌پذیر می‌سازد.

-
1. validité.
 2. légalité.
 3. légitimité.
 4. effectivité.

۱. قانونیت جرم‌انگاری قاچاق مواد مخدر

در ابتدای متونی که هسته اصلی حقوق کیفری مواد مخدر را تشکیل می‌دهند، لفظ «قانون» آمده است. متون مزبور عبارت‌اند از: «قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷/۸/۳»، «قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۷»، «اصلاحیه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶»، مصوب ۱۳۸۹/۵/۹ و «قانون الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶/۷/۱۲». سه متن نخست، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام و متن آخر مصوب مجلس شورای اسلامی است.^۱ بررسی قانونیت جرم‌انگاری قاچاق مواد مخدر یعنی طرح این پرسش که آیا می‌توان لفظ «قانون» را بر چهار متن فوق اطلاق کرد؟ پاسخ به این پرسش آسان نیست. در خصوص نقش تقنینی مجمع تشخیص مصلحت نظام در حوزه مواد مخدر، دیدگاه‌ها و نظرات متفاوت و متناقضی وجود دارد.

۱-۱. نقش تقنینی مجمع تشخیص مصلحت نظام در حوزه مواد مخدر

در جمهوری اسلامی ایران، اعمال قوه مقننه از طریق^۲ مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود.^۳ استفاد از اصول قانون اساسی این است که مجلس شورای اسلامی به عنوان نهادی که مظهر اراده عام ملت است و ریشه در آراء عمومی دارد، باید به تصمیم‌گیری در خصوص سرنوشت اجتماعی و سیاسی مردم

۱. جرم‌انگاری مواد مخدر در ایران در مقایسه با سایر جرایم سنتی، سابقه چندان طولانی ندارد. پیشینه جرم‌انگاری و کیفرگذاری و همچنین تشدید کیفرها و به ویژه توسل به کیفر اعدام، به پیش از انقلاب و دوره پهلوی برمی‌گردد. پس از انقلاب نیز لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبین جرایم مواد مخدر در تاریخ ۱۳۵۹/۳/۱۹ به تصویب شورای انقلاب رسید که از نظر برخی تا آنجا که با مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام مغایرت نداشته باشد، معتبر است (زینالی، ۱۳۹۶: ۲۰). اما از آنجا که هسته اصلی حقوق کیفری مواد مخدر در ایران را قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷/۸/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام با اصلاحیه‌ها و الحاقیه‌های بعدی آن تشکیل می‌دهد (ذبحی، ۱۳۹۵: ۴۱)، در نوشتار حاضر نیز همین امر مینا قرار گرفته است.

۲. با این استثناء که در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از «طریق» همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آراء عمومی نیز باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد (اصل ۵۹ قانون اساسی).

۳. اصل ۵۸ قانون اساسی.

بیردازد (هاشمی، ۱۳۹۳: ۸۷/۲). ویژگی خاص قوه مقننه در ایران این است که نظامی یک مجلسی اما دو رکنی است (همان: ۸۹/۲). شورای نگهبان، رکن مکمل مجلس شورای اسلامی است و مجلس بدون وجود آن اعتبار قانونی ندارد.^۱ مبنای این بی‌اعتباری، اصل ۹۴ قانون اساسی است که شورای نگهبان را موظف کرده است انطباق کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی را با موازین اسلام و قانون اساسی بررسی کند.

پیامد اصلی و مهم دو رکنی بودن این است که بروز اختلاف میان این دو رکن، قابل پیش‌بینی است. راهکار ابتکاری برای حل معضل اختلاف نظر میان مجلس و شورای نگهبان، ایجاد نهادی با عنوان «مجمع تشخیص مصلحت نظام» بود که به موجب فرمان ۱۳۶۶/۱۱/۱۷ امام خمینی تأسیس گردید (وکیل و عسگری، ۱۳۹۴: ۴۵۰). اما مجمع بر خلاف فلسفه تأسیس خود، پس از مدت کوتاهی نقش ارگان تقنینی به خود گرفت و در مواردی مبادرت به تصویب قانون نمود که مهم‌ترین آن‌ها قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷/۸/۳ بود. این روال نامتعارف در تصویب متنی با عنوان «قانون مبارزه با مواد مخدر»، موجب بروز اختلاف نظرهایی در میان حقوق‌دانان در خصوص قانون محسوب شدن یا نشدن متن مزبور شده است.

۲-۱. تعارض دیدگاه‌ها در خصوص اعتبار قانون مبارزه با مواد مخدر

برخی معتقدند که هرچند در جمهوری اسلامی ایران، اصل بر صلاحیت عام مجلس شورای اسلامی در قانون‌گذاری است، ولی به جهت ماهیت انقلاب و نظام و نوع ویژه دغدغه‌ها و آرمان‌ها، نهادهای دیگری مثل مجلس خبرگان رهبری، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی امنیت ملی، شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی، واجد حق قانون‌گذاری شده‌اند و لذا مصوبات نهادهای یادشده، قانون یا در حکم قانون و لازم‌الاجرا محسوب می‌شوند (ارسطا، ۱۳۹۷: ۳۲۶). براساس چنین استدلالی، قانون مبارزه با مواد مخدر، یک مصوبه قانونی و لازم‌الاجراست. در مقابل، برخی بر این باورند که مصوبات مجمع در خصوص مواد مخدر، دارای جنبه قانونی به معنای واقعی کلمه نیستند (کاشانی، ۱۳۷۹: ۶/۳) و لذا نمی‌توان آن‌ها را قانون

۱. اصل ۹۳ قانون اساسی.

نامید، هرچند که در مقام عمل، چاره‌ای جز گردن نهادن به مصوبات مزبور نیست (رحمدل، ۱۳۹۵ الف: ۳۷).

در مقام داوری میان این دو ادعای متعارض باید به مبنای اختلاف توجه کرد. اگر بپذیریم که قانون از جمله قانون کیفری، تصمیم برخاسته از خرد جمعی است که توسط مرجع صلاحیتدار و با رعایت فرایندهای قانونی و مردم‌سالارانه اتخاذ می‌شود (قماش، ۱۳۸۹: ۱۴۷)، اظهار نظر در خصوص امکان قانون تلقی کردن مصوبات مجمع، از جمله مصوبات مبارزه با مواد مخدر، مستلزم پرداختن به دو پرسش پیشینی است؛ نخست، آیا مجمع مرجع صلاحیتدار برای قانون‌گذاری و به بیان دیگر، نهاد تقنین محسوب می‌شود و دوم، آیا فرایندهای قانونی و مردم‌سالار در تصویب قانون مبارزه با مواد مخدر رعایت شده‌اند؟

در خصوص پرسش نخست باید گفت که اگرچه به فراخور اهداف و نوع حکومت، برخی نهادها نیز علاوه بر مجلس از حق قاعده‌گذاری برخوردار شده‌اند، ولی صلاحیت آن‌ها محدود به موارد و زمینه‌هایی خاص است.^۱ بر این اساس، یگانه مصداق نهاد قانون‌گذار در نظام جمهوری اسلامی ایران به شکل انحصاری، مجلس شورای اسلامی است و لذا منظور از «فرایند قانون‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران»، تصویب قانون در مجلس شورای اسلامی است (دبیرنیا و تقوی، ۱۳۹۷: ۱۱۸). اختیار مجمع نیز منحصر به رفع موارد اختلافی مجلس و شورای نگهبان است و برای قانون‌گذاری ابتدایی، مرجع صلاحیتدار و نهاد تقنین محسوب نمی‌شود.

در خصوص پرسش دوم نیز باید گفت که حتی با فرض پذیرش مجمع به عنوان نهاد تقنین، این نهاد باید به نیابت از قانون‌گذار اصلی، اقدام به قانون‌گذاری نماید و تابع موازین اساسی پیش‌بینی شده برای این کار باشد. قانون اساسی، ضوابط و تشریفات را برای قانون‌گذاری مقرر داشته است. مهم‌ترین ضابطه، عمومی بودن فرایند قانون‌گذاری است. طبق اصل ۶۹ قانون اساسی، مذاکرات مجلس باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و تلویزیون و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر

۱. از جمله مجلس خبرگان رهبری در چارچوب اصل ۱۰۸ قانون اساسی و یا شورای عالی امنیت ملی در چارچوب اصل ۱۷۶.

شود. امکان تشکیل جلسه غیر علنی نیز تنها در شرایط اضطراری و برای رعایت امنیت کشور امکان‌پذیر است؛ ضمن آنکه مصوبات جلسات غیر علنی در صورتی اعتبار خواهند داشت که با حضور اعضای شورای نگهبان به تصویب سه‌چهارم مجموع نمایندگان مجلس برسد.

نکته مهم پیش‌بینی شده در اصل مزبور این است که گزارش و مصوبات جلسات غیر علنی باید پس از برطرف شدن شرایط اضطرار، برای اطلاع عموم منتشر شود. فلسفه پیش‌بینی چنین ضابطه‌ای این است که قانون، یک انتخاب است و برای رسیدن به بهترین انتخاب، لازم است دیدگاه‌های مختلف، مطرح و تضارب آرا بین نمایندگان و صاحب‌نظران و حتی عموم مردم صورت گیرد. از همین روست که مجلس نمایندگان مردم، قلب تپنده دموکراسی محسوب شده است (جعفرقلیخانی، ۱۳۹۴: ۷۰). با عنایت به اینکه تا کنون علی‌رغم گذشت زمان طولانی، گزارشی از مذاکرات و مباحث مطرح شده در مجمع در خصوص تصویب قانون مبارزه با مواد مخدر منتشر نشده است، نمی‌توان گفت که تشریفات پیش‌بینی شده توسط قانون اساسی برای فرایند قانون‌گذاری، از سوی مجمع کاملاً رعایت شده است. لذا در مجموع، اعتبار جرم‌انگاری قاچاق مواد مخدر را از منظر قانونیت نمی‌توان چندان مطلوب ارزیابی کرد.

۲. مشروعیت جرم‌انگاری قاچاق مواد مخدر

مشروعیت جرم‌انگاری قاچاق مواد مخدر را از دو منظر شکلی و ماهوی می‌توان بررسی کرد. نظر به اینکه اصل ۹۴ قانون اساسی، وظیفه بررسی انطباق مصوبات مجلس با موازین اسلام و قانون اساسی را بر عهده شورای نگهبان گذاشته است، پرسشی که از منظر شکلی می‌تواند مطرح شود این است که تصمیمات مجمع بدون اخذ نظر شورای نگهبان - که مصوبات مربوط به مواد مخدر از مصادیق بارز آنها هستند - با چه سازوکاری منطبق با موازین شرع خواهد بود؟ از منظر ماهوی نیز باید انطباق جرم‌انگاری قاچاق مواد مخدر با موازین شرعی را مورد بررسی قرار داد.

۱-۲. ماهیت شرعی مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام در زمینه

مواد مخدر

پیشتر بیان شد که تنها نهاد قانون‌گذار در نظام جمهوری اسلامی ایران، مجلس است که طبق اصل ۸۵ قانون اساسی نیز نمی‌تواند اختیار قانون‌گذاری خود را به هیچ شخص یا هیئت دیگری واگذار کند. اما در عمل، مجمع‌جانشین مجلس شده و اقدام به قانون‌گذاری در حوزه مواد مخدر کرده است. پرسش دیگر این است که آیا مجمع با اقدام به قانون‌گذاری ابتدایی در زمینه مواد مخدر، به نوعی جایگزین شورای نگهبان نیز شده است؟ در این صورت آیا مصوبات آن برای مبارزه با مواد مخدر دارای وجاهت شرعی است؟^۱

برخی ضمن پذیرش اصل تأسیس حکم حکومتی و مشروعیت آن، ماهیت شرعی مصوبات مجمع را خالی از ایراد ندانسته (کدخدایی و جواهری طهرانی، ۱۳۹۰: ۳۰۴) و اظهار داشته‌اند که استناد به احکام ثانویه نمی‌تواند مشروعیت و اعتبار همه مصوبات مجمع را فراهم سازد (همان: ۳۰۶).^۲ ولی نویسندگان در نهایت، وجاهت شرعی مصوبات مجمع در مقام رفع اختلاف میان مجلس و شورا را قابل دفاع می‌دانند (همان: ۳۰۸). اما در خصوص وجاهت شرعی مصوبات مجمع در مقام قانون‌گذاری ابتدایی - که قانون مبارزه با مواد مخدر نیز جزء این گونه مصوبات است - سکوت کرده‌اند. شاید با قید

۱. البته برخی شرع را نقطه اتصال شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام دانسته‌اند؛ با این توضیح که شورای نگهبان تجلی برداشت سنتی از شریعت، و مجمع تشخیص مصلحت نظام، تجلی برداشت مصلحت‌گرایانه از شریعت است (جلادتی، ۱۳۹۷: ۸۰).

۲. البته ایرادی که مطرح شده است، نوعی ایراد ساختاری است. خلاصه استدلال چنین است که در اصل ۹۱ قانون اساسی مقرر شده است که شش نفر فقیه عضو شورای نگهبان باید عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز باشند. فلسفه پیش‌بینی چنین صفاتی برای فقهای مزبور این است که در مواقع اختلاف میان مجلس و شورای نگهبان، خود این فقها که تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس با احکام شریعت را بر عهده دارند، باید واقعیت‌ها و ضرورت‌های جامعه اسلامی را تشخیص دهند و مصلحت نظام را در نظر بگیرند تا با تدبیر این فقهای آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز، اختلافات حل شوند و اساساً نیازی به تشخیص مصلحت نظام توسط مجمع نباشد. به بیان دیگر، تشخیص این مصالح توسط شورای نگهبان از جمله وظایف ذاتی این شورا است که در صورت بروز اختلاف و ارجاع مصوبه به مجمع، نوعی واگذاری وظیفه ذاتی شورا به مجمع صورت می‌گیرد که قابل انتقاد است (کدخدایی و جواهری طهرانی، ۱۳۹۰: ۳۰۷).

«در مقام رفع اختلاف» خواسته‌اند شناسایی و جاهت شرعی را منحصر به همین مورد نمایند.

با تحلیل موضوع از منظری دیگر، این ابهام روشن‌تر می‌شود. در باب منشأ مشروعیت قوانین، دو بینش وجود دارد. در نظام حقوقی مدرن و متکی به رویکردهای پوزیتیو، جوهره و عنصر هویت‌بخش قانون، اراده عمومی است. لذا قانون به عنوان برساخته نهادهای قانون‌گذاری بشری، مجموعه‌ای از واقعیت‌های مربوط به اعمال، باورها و نگرش‌های مردم است. این مفهوم از قانون دارای دو جنبه ایجابی و سلبی است. جنبه ایجابی آن ناظر بر محوریت «اراده افراد» در مدیریت اجتماعی مبتنی بر قانون می‌باشد و جنبه سلبی آن به معنای کنار گذاشتن هر آن چیزی است که غیر، مخالف و مغایر چنین اراده‌ای باشد. مهم‌ترین وجه تقابل در جنبه سلبی نیز تقابل اراده افراد یک جامعه با اراده شارع حکیم است (کاظمینی، ۱۳۹۸: ۲۷۵). در چنین نگرشی نسبت به قانون، قانونیت و مشروعیت به طور کامل بر یکدیگر منطبق می‌شوند و لذا چنین ادعا می‌شود که هرآنچه مشروع است، قانونی است و هرآنچه قانونی است، مشروع است. معیار دیگری برای تشخیص مشروعیت قوانین وجود ندارد.^۱

برداشت نظام حقوقی اسلام از مفهوم قانون و مبانی مشروعیت آن کاملاً متفاوت و بلکه متعارض با چنین نگرشی است. در این نظام، منشأ اعتبار و مبنای مشروعیت قواعد و قوانین حقوقی، «اراده حکیمانه خالق شارع» است (همان: ۲۷۷). بر اساس اصل چهارم قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات باید مبتنی بر چنین نظامی باشد. اصل دوم نیز تصریح می‌نماید که جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به خدای یکتا (لا إله إلا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او، و لزوم تسلیم در برابر او و همچنین وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین. طبق اصول پنجم و یکصد و هفتم قانون

۱. بدیهی است در جوامع مبتنی بر این نظام حقوقی، برداشت ماهوی از قانون یعنی تأکید بر آموزه‌های اخلاقی و لزوم انطباق قوانین با ارزش‌هایی نظیر عدالت، آزادی، دموکراسی کنار گذاشته نمی‌شود، بلکه فرض بر این گذاشته می‌شود که در صورت بررسی و تصویب قوانین توسط نمایندگان مردم و بر اساس فرایندهایی شفاف و مردم‌سالار و مبتنی بر طرح دیدگاه‌ها و نظرات مختلف و متفاوت، چنین امری به نحو مطلوب محقق می‌شود.

اساسی، این مهم از طریق نظریه ولایت فقیه اجرایی می‌شود.^۱ بر این اساس، در مواردی که شورای نگهبان، قانونی را منطبق با شرع نداند و مجمع برای حل اختلاف اقدام به قانون‌گذاری کند، این وجاهت شرعی را باید بر اساس اختیارات ولایت فقیه احراز کرد. حال در مواردی که مجمع نه بر اساس اختلاف میان مجلس و شورا، بلکه به شکلی ابتدایی اقدام به قانون‌گذاری نماید، یعنی همان روالی که در خصوص قانون مبارزه با مواد مخدر انجام شده است، آیا می‌توان همین مبنا را برای وجاهت شرعی مصوبات در نظر گرفت؟

در این خصوص، اشکالی که به نظر می‌رسد این است که هم امام خمینی و هم آیه‌الله خامنه‌ای، مجمع تشخیص مصلحت نظام را از قانون‌گذاری ابتدایی منع کرده‌اند. امام خمینی پس از اقدام مجمع به قانون‌گذاری ابتدایی، در تاریخ ۱۳۶۷/۱۰/۸ نامه‌ای خطاب به اعضای مجمع تشخیص مصلحت نگاشت و اختیار قانون‌گذاری را از آن مجمع سلب کرد و صلاحیت آن را محدود به رسیدگی به موارد اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان نمود (مهریور، ۱۳۷۱: ۳۵). به شکلی مشابه، مقام معظم رهبری نیز در سال ۱۳۷۶ پس از دیدار با اعضای مجمع پس از نصب آنان به این سمت، صریحاً اعلام کرد که «این مجمع، دستگاه قانون‌گذاری نیست» (کاشانی، ۱۳۷۹: ۷/۳). این امر نشانگر آن است که با وجود چنین نظریات صریحی، وجاهت شرعی اقدام مجمع در قانون‌گذاری ابتدایی در حوزه مواد مخدر را نمی‌توان بر این اساس توجیه کرد. اما به نظر می‌رسد شرایط خاص جامعه و ابعاد نگران‌کننده معضل مواد مخدر و همچنین وجود نوعی خوش‌بینی در ذهن برخی مسئولان نسبت به امکان حل مشکل قاچاق مواد

۱. برخی نویسندگان با بررسی مشکلات مربوط به جمع نظام ولایت فقیه منبعث از حاکمیت الهی و نظام پارلمانی مبتنی بر نقش پررنگ نمایندگان مردم پیشنهاد کرده‌اند که قوه مقننه به نظام دومجلسی با ترکیبی از نخبه‌گرایی پخته و نخبه‌گرایی جوان‌پسندانه تبدیل شود؛ ولی فعالیت آن ذیل نقش ولایی رهبری برای هدایت کلی جریان امور که تحت عنوان ولایت مطلقه فقیه ناشی از شرع است، ادامه یابد. در نتیجه پیشنهاد داده‌اند که با ایجاد تغییراتی در راستای بومی کردن نظام نیمه‌ریاستی، نیمه‌پارلمانی کنونی می‌توان نظام کنونی را تبدیل به «رژیم پارلمانی ولایی» کرد که سازگاری بیشتری با حاکمیت الهی داشته باشد (رسکتی و بابایی‌مهر، ۱۳۹۸: ۵۵۳). برخی نیز اقتضای اختصاص قانون‌گذاری در صلاحیت شارع مقدس را این دانسته‌اند که قانون‌گذاری به عنوان کارویژه مجلس، صرفاً باید نوعی برنامه‌ریزی برای اجرای قوانین (احکام) الهی باشد (دبیرنیا و نقوی، ۱۳۹۷: ۱۱۳).

مخدر از طریق اقدام سخت انقلابی، مانع از این شده است که قوانین مصوب مجمع در دوره زمانی مزبور اجرایی نشوند.

مجمع در بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ قوت قانونی یافت و در اصل ۱۱۲ قانون اساسی پیش‌بینی شد. در تاریخ ۱۳۷۶/۸/۱۷ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر به تصویب مجمع رسید؛ در حالی که پیش‌بینی آن در قانون اساسی نیز نمی‌توانست اختیار قانون‌گذاری ابتدایی را به مجمع اعطا کند و آن را برای تصویب قانون جدیدی در خصوص مواد مخدر واجد صلاحیت کند. آنچه که در اصل ۱۱۲ قانون اساسی آمده چنین است:

«مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام، نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است، به دستور رهبری تشکیل می‌شود».

از این اصل، اختیار قانون‌گذاری ابتدایی برداشته نمی‌شود. در اصل ۱۱۰ نیز که به وظایف و اختیارات رهبر اختصاص دارد، در دو بند به مجمع اشاره شده است. براساس بندهای یکم و هشتم اصل مزبور، دو مورد از وظایف و اختیارات رهبر عبارت است از: «تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام» و «حل معضلات نظام که از طریق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام». آشکار است که سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری دو امر مجزا هستند.^۱ در اینکه مواد مخدر نیز یک معضل محسوب می‌شود، تردیدی نیست؛ اما آیا معضلی است که از طریق عادی یعنی قانون‌گذاری در مجلس قابل حل نباشد؟

دبیرکل اسبق ستاد مبارزه با مواد مخدر طی مصاحبه‌ای در مرداد سال ۱۳۸۹، به دو نکته مهم در این خصوص اشاره کرد؛ نخست اینکه اظهار داشت یکی از دلایل مراجعه

۱. در تاریخ ۱۳۸۵/۷/۱۰، سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر در ۱۱ بند از طرف مقام معظم رهبری به رؤسای سه قوه ابلاغ شد.

ستاد به مجمع برای اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر این بوده است که تصور می‌شد مجمع نهاد چابک‌تری برای تصویب قانون است (احمدی مقدم، ۱۳۸۹: ۷).^۱ نکته دوم و مهم‌تر اینکه طبق اظهارات سردار احمدی مقدم، مقام معظم رهبری با این شرط اصلاح قانون در مجمع را پذیرفت که «قانون جامع مبارزه با مواد مخدر در مجلس شورای اسلامی تصویب شود» (همان). ظاهراً به همین سبب بوده است که بر اساس اصلاحیه سال ۱۳۸۹، در ماده ۴۵ قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ و الحاقات بعدی آن مقرر شد «اصلاح این قانون توسط مجلس شورای اسلامی بلامانع است» و در تبصره همان ماده نیز اختیار تصویب فهرست مواد مخدر و روان‌گردان به مجلس داده شد. این ماده اگرچه به تعبیر برخی حقوق‌دانان نویدبخش بازگشت قانون‌گذاری توسط مجلس در مورد مواد مخدر است (رحمدل، ۱۳۹۵ الف: ۳۷)، ولی در وضعیت کنونی، ایراد وارده به اعتبار قانونی و شرعی مصوبات مجمع را به طور کامل برطرف نمی‌کند؛ ضمن آنکه در خصوص انطباق ماهوی جرم‌انگاری قاچاق مواد مخدر با موازین شرعی نیز ابهاماتی وجود دارد.

۱. معاون قضایی دادستان کل کشور نیز در مصاحبه‌ای در سال ۱۳۸۷ به نحو دیگری به این موضوع اشاره کرد. به گفته وی، «از چند سال پیش بحث اصلاح قانون مورد توجه قرار گرفت. دو بحث هم در این زمینه مطرح بود. عده‌ای موافق اصلاح این قانون در مجمع تشخیص مصلحت نظام بودند و استدلال آن‌ها هم این بود که تصویب قانون در مجمع باعث می‌شود که این قانون دچار تغییرات زود هنگام نشود و در واقع این امر را باعث ثبات قانون می‌دانستند. عده‌ای هم با تصویب قانون در مجلس شورای اسلامی موافق بودند و استدلال می‌کردند که شرایط اضطراری تصویب قانون در مجمع تشخیص مصلحت نظام سپری شده و موارد دیگری که اهمیتی در حد مبارزه با مواد مخدر دارند، در مجلس شورای اسلامی مطرح می‌شوند. در مجموع، نظر اکثریت بر اصلاح قانون در مجمع تشخیص مصلحت نظام بود و اکنون پیش‌نویس قانون جدید با همکاری ستاد مبارزه با مواد مخدر، دادستانی کل کشور و سایر مراجع تهیه شده و ویرایش آخر آن نیز انجام شده است» (ذبحی، ۱۳۸۷: ۴). وی مشخص نکرد که این مباحث و نیز دودستگی، در چه مرجع و نهادی مطرح شده‌اند؛ ولی به نظر می‌رسد که این اختلاف دیدگاه در ستاد مبارزه با مواد مخدر بوده است. با قبول این فرض، پرسش این است که آیا ستاد، از جایگاه و صلاحیت تشخیص و تعیین مرجع تصویب قانون مهمی مثل قانون مبارزه با مواد مخدر برخوردار است؟ اما چنانچه این مباحث در مجمع مطرح شده باشند، حاکی از این خواهد بود که برخی از اعضای آن نیز در صلاحیت تقنینی مجمع در این خصوص دچار تردید شده‌اند. بدین سان، این دیدگاه را می‌توان مطرح کرد که مجمع تشخیص مصلحت نظام به جای تقنین در قالب سیاست‌های کلی نظام، مظروف قانون‌گذاری مجلس شورای اسلامی را باید مشخص نماید (خانعلی‌پور و اجارگاه، ۱۳۹۷: ۸۱).

۲-۲. انطباق جرم‌انگاری قاچاق مواد مخدر با موازین شرعی

آنچه که بیان شد، ناظر بر مشروعیت شکلی جرم‌انگاری قاچاق مواد مخدر بود. مشروعیت ماهوی، ناظر بر بررسی این موضوع است که آیا این جرم‌انگاری با آموزه‌ها و موازین فقهی انطباق دارد؟ از آنجا که در مبارزه با مواد مخدر کیفرهای بسیار سنگینی برای قاچاقچیان پیش‌بینی شده و از کیفر مرگ نیز به شکل گسترده‌ای استفاده شده است،^۱ عمده دغدغه‌های نویسندگان در خصوص مشروعیت، به بررسی مشروعیت اعدام برای قاچاقچیان مواد مخدر، چالش‌های انطباق آن با عناوین افساد فی الارض و محاربه و حدی یا تعزیری محسوب شدن آن معطوف شده است و خواه از منظر فقهی و حقوقی و خواه از منظر اجتماعی و جامعه‌شناختی (برای مثال ر.ک: اکبری، ۱۳۷۹: ج۱؛ اکبری، ۱۳۹۳؛ برهانی و احمدزاده، ۱۳۹۷؛ جوان‌جعفری بجنوردی و اسفندیاری بهرآسمان، ۱۳۹۷؛ غلاملو، ۱۳۹۷؛ کلاتنری خلیل‌آباد و دیگران، ۱۳۹۷) تلاش شده است مشروعیت این کیفر بررسی شود، اما پیش شرط اعمال این کیفر یعنی اصل جرم‌انگاری قاچاق مواد مخدر مغفول مانده است. برخی چنان این امر را بدیهی پنداشته‌اند که گویی کسی در مسئولیت حقوق کیفری برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر تردید ندارد (رحمدل، ۱۳۹۵ الف: ۲۰). اما ظاهراً در خصوص مصرف مواد مخدر تردیدها بیشتر بوده و مبانی قابل استناد و اعتماد فقهی در اسلام برای حرمت و ممنوعیت شرعی استعمال مواد مخدر به شکل مبسوط‌تری مورد بررسی قرار گرفته است.

در همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر که در سال ۱۳۷۹ در تهران برگزار شد و به لحاظ تعداد و تنوع مطالب ارائه شده یکی از بهترین و جامع‌ترین همایش‌های حوزه علوم جنایی و مواد مخدر بود، تبیین «مبانی فقهی مواد مخدر» را مرحوم آیه‌الله مرعشی عهده‌دار شده بودند. از نظر ایشان، فقهای شیعه و اهل سنت از دو جهت استعمال مواد مخدر را تحریم کرده‌اند؛ نخست به جهت ضرر و زیان‌هایی که برای مصرف‌کننده دارد. دوم اینکه بعضی از اقسام مواد مخدر موجب سکر و مستی می‌شوند و عقل را زائل می‌کنند و از این حیث

۱. البته با تصویب ماده واحده قانون الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶/۷/۱۲ در مجلس، تا حدودی کاربرد مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر تعدیل شده است.

احکام شرب خمر بر آن‌ها مترتب می‌شود (مرعشی، ۱۳۷۹: ۱۶۶/۱-۱۶۷). در خصوص خرید و فروش مواد مخدر هم نظر ایشان این است که معامله صحیح از نظر فقهی، ضوابطی دارد که در صورت فقدان شرایط مزبور، معامله باطل و حرام است (همان: ۱۶۸/۱). به نظر می‌رسد با گذشت ۲۰ سال، تفاوت چندانی در اساس دیدگاه‌های مطرح شده ایجاد نشده است و محور استدلال‌ها در باب مبانی فقهی حرمت مواد مخدر، همان دو مورد است؛ یعنی از یک سو با توجه به اینکه در عصر بعثت پیامبر، برخی مردم مبادرت به مصرف شراب می‌کرده‌اند و مواد مخدر موضوعیت چندانی نداشته است،^۱ فقها برای توجیه حرمت مواد مخدر به موازینی کلی و عام متوسل شده‌اند، از جمله حرمت اکل مال به باطل، نهی از به هلاکت انداختن نفس، روح دعوت اسلام به دوری از پلیدی‌ها، لزوم پرهیز از اعمال شیطانی، حرمت زوال عقل، حرمت تعاون بر اثم و عدوان (هاشمی و میرزایی‌نژاد، ۱۳۹۷: ۵۱)، و در کنار آن به قیاس مواد مخدر با شراب پرداخته‌اند. اما هر دو محور استدلالی با ایراد و اشکال مواجه است.

اولاً، حکم‌های تکلیفی مطرح شده چنان کلی هستند که منحصر کردن مصداق آن‌ها به مواد مخدر خالی از اشکال نخواهد بود؛ زیرا چیزهای دیگری را هم می‌توان مصداق این احکام دانست که مثال بارز آن دخانیات است. مرحوم آیه‌الله مرعشی متوجه این اشکال بوده است و لذا در بحث از مبانی فقهی مواد مخدر، با این بیان از اشکال مزبور گذر کرده که هرچند ما فعلاً بحثی درباره سیگار نداریم، ولی ضرر و زیان سیگار از نظر علمی کاملاً شناخته شده است و پزشکان اعلام خطر می‌کنند و لذا امیدواریم روزی همایشی درباره تحریم و منع استعمال سیگار و دخانیات داشته باشیم (مرعشی، ۱۳۷۹: ۱۶۹/۱). در واقع نمی‌توان حکمی کلی مانند ممنوعیت انداختن خود به دام هلاکت را مبنا قرار داد و بر اساس آن به دو نتیجه متفاوت درباره دو مصداق مشابه که هر دو به تدریج باعث کوتاهی عمر و مرگ مصرف‌کننده می‌شوند، رسید.

ثانیاً، مقایسه مواد مخدر با شراب، اشکال مهم‌تری را متصور می‌کند. نظر به اینکه صرف نظر از برخی مسائل و مباحث مربوط به امکان‌پذیری قیاس در فقه شیعه، برخی

۱. به همین سبب آیات صریحی در خصوص مواد مخدر وجود ندارد و صرفاً برخی روایت‌ها به شکلی محدود و ناقص به برخی مصادیق مواد اشاره کرده‌اند.

نویسندگان به مشابهت شراب و مواد مخدر استناد کرده‌اند (اسعدی، ۱۳۷۹: ۸۳/۳)، اشکالی که در این خصوص مطرح می‌شود این است که اگر اصل استدلال مشابه دانستن مواد مخدر و شراب را بپذیریم و همان احکام مترتب بر شراب را بر مواد مخدر حمل کنیم، با نوعی عدم انطباق و حتی تعارض میان سیاست جنایی اسلام در خصوص شراب و سیاست جنایی کنونی کشور در قبال مواد مخدر مواجه می‌شویم و چنین تعارضی چندان قابل توجه به نظر نمی‌رسد.

برخورد اسلام با استعمال شراب، صریح، روشن و مبتنی بر شدت عمل است. شرب خمر یک جرم حدی است و لذا در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز در بخش مربوط به جرایم موجب حد آمده است. طبق مواد ۲۶۴ و ۲۶۵ قانون مزبور، مصرف مسکر موجب هشتاد ضربه شلاق است؛ با این توضیح که فرد در صورت تکرار عمل در بار چهارم، مستحق اعدام خواهد بود.^۱ اما در خصوص مجازات خرید و فروش شراب - که حکم مجازات خرید و فروش مواد مخدر نیز باید از آن استنباط شود، اختلاف نظر وجود دارد.^۲

فقها در پاسخ به این پرسش که آیا با حرمت عین کالا، معامله آن نیز قهراً حرام می‌شود یا خیر؟ دو دسته شده‌اند. برخی قائل به ملازمه بین حرمت شراب، نجاست و... با حرمت معامله آن شیء‌اند. از نظر آنان همین که چیزی حرام شد، معامله آن نیز مشمول حرمت خواهد بود. در مقابل، برخی فقیهان متأخر و معاصر معتقدند که

۱. حکم به اعدام بزهکار به عادت، از سوی برخی نویسندگان مورد تردید قرار گرفته و مغایر با موازین شرع دانسته شده است و حکم به اعدام به استناد تکرار، خلاف احتیاط تام در جان و حیات آدمیان در نظر گرفته شده است؛ به ویژه آنکه امروزه امکانات جامعه برای ارباب، اصلاح یا ناتوان‌سازی بزهکاران با دوران قدیم قابل مقایسه نیست. نکته قابل توجه در این خصوص آن است که برای حکم اعدام ارتکاب جرایم حدی، تنها یکی دو روایت وجود دارد، در حالی که برای حکم تکرار شرب خمر، روایات معتبر و قابل توجهی وجود دارد. دلیل این امر ویژگی خاص این جرم و شرایط خاص جامعه و لزوم شدت عمل در برابر آن دانسته شده است (نوبهار، ۱۳۹۲: ۱۰ و ۳۷-۳۸).

۲. شاید نوعی رویکرد تقلیل‌گرایانه به این بحث چنین باشد که برای دانستن حکم اسلام در خصوص استعمال شراب و به قیاس از آن، استعمال مواد مخدر باید به باب حدود مراجعه کرد. حال برای دانستن حکم اسلام در خصوص خرید و فروش شراب و به تبع آن حکم خرید و فروش مواد مخدر، پژوهشگر باید به کدام باب در کتاب‌های فقهی مراجعه کند؟

حرمت معامله، نیازمند دلیلی غیر از دلیل حرمت کالاست (شیخی نصرآبادی، ۱۳۹۴: ۹۱). بر همین اساس است که از نظر برخی، حرمت پوشیدن لباس ابریشمی، تأثیری بر حلیت خرید و فروش آن ندارد و لذا معامله لباس ابریشمی حرام نمی‌باشد (درزی، جعفری هزندی و موسوی، ۱۳۹۸: ۸۹).

نکته قابل تأمل این است که نظرات فقها در خصوص حکم خرید و فروش شراب، ذیل مباحث بیع و مکاسب محرمه مطرح شده است. اکثریت فقها معامله شراب را به صورت مطلق حرام و باطل دانسته‌اند، ولی برخی از آنان، مواردی استثنایی را نیز مطرح کرده‌اند.^۱ اما آن چیزی که توجه به آن ضروری است، ضمانت اجرای تخطی از حکم تکلیفی خرید و فروش شراب است. بر اساس نظر قائلان به حکم وضعی بطلان، طبیعی است که بطلان خرید و فروش را باید نوعی ضمانت اجرای مدنی تلقی کرد. اما آیا برای چنین معامله‌ای می‌توان ضمانت اجرای کیفری هم در نظر گرفت؟ به نظر می‌رسد از باب اطلاق قاعده «التعزیز بما یراه الحاکم» پاسخ این پرسش مثبت است. اما اولاً با توجه به اختلافی بودن اقوال فقها و ثانیاً با توجه به ماهیت عمل مزبور، قاعدتاً این عمل نباید تعزیر شدیدی را در پی داشته باشد. ضمن آنکه اگر استدلال اغلب فقها در خصوص حرام قلمداد کردن خرید و فروش شراب از باب تعاون بر اثم و عدوان، مورد توجه قرار گیرد، بدیهی است که مجازات معامله شراب نمی‌تواند از مجازات اثم اصلی یعنی استعمال شراب بیشتر باشد.^۲

۱. برای مثال، برخی خرید و فروش شراب برای برخی بیماری‌ها را مجاز دانسته‌اند (احمدپور، ۱۳۹۴: ۳۸) یا قرارداد حمل خمر را حرام ندانسته‌اند، چون ممکن است حمل خمر برای تبدیل به سرکه باشد (فقیهی، ۱۳۹۵: ۸۵)؛ ضمن آنکه فروش خمر و نیبذ به کافران، مجاز دانسته شده است، چون آن‌ها را حلال می‌دانند (احمدپور، ۱۳۹۴: ۴۶).

۲. قانون مجازات اسلامی هم مجازات‌های شدیدی را -در مقایسه با قاچاق مواد مخدر- برای قاچاق مشروبات الکلی در نظر نگرفته است. بر اساس ماده ۷۰۲ قانون مزبور، هر کس مشروبات الکلی را بسازد یا بخرد یا بفروشد یا در معرض فروش قرار دهد یا حمل یا نگهداری کند یا در اختیار دیگری قرار دهد، به شش ماه تا یک سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق و نیز پرداخت جزای نقدی به میزان پنج برابر ارزش عرفی (تجاری) کالای یادشده، محکوم خواهد شد. طبق ماده ۷۰۳ نیز وارد نمودن مشروبات الکلی به کشور، قاچاق محسوب می‌شود و مجازات پیش‌بینی شده برای آن، شش ماه تا پنج سال حبس و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق می‌باشد. رسیدگی به این جرم نیز در صلاحیت محاکم عمومی است.

بدین سان، این تعارض و دوگانگی را چگونه باید درک و تحلیل کرد که از یک سو یکی از اصلی ترین استدلال‌های مطرح شده برای حرمت مصرف و معامله مواد مخدر، شبیه دانستن این مواد به شراب و لذا تسری احکام مربوط به خمر، به مواد مخدر باشد و از سوی دیگر، سیاست جنایی اتخاذ شده در برابر خرید و فروش مواد مخدر تا این اندازه با سیاست ناظر بر خرید و فروش مشروبات الکلی فاصله داشته باشد.

بدیهی است که نوشتار حاضر به دنبال بررسی چرایی و دلایل چنین تعارض و افتراقی نیست، اما به نظر می‌رسد که ویژگی اکثر انقلاب‌ها در بهره‌گیری از شدت عمل کیفری به مثابه عاملی برای صیانت از دستاوردهای انقلاب (ساداتی و نوبهار، ۱۳۹۷: ۱۵۷)، در کنار دشمن‌پنداری مجرمان مواد مخدر (فرجیها و مقدسی، ۱۳۹۳: ۲۸) موجب شد که مواد مخدر ابزار سلطه استعمار و یادگار رژیم قبلی تلقی شود. ظهور اصطلاحاتی مانند «گرد شیطانی»، «سوداگر مرگ»، «مفسد فی الارض»، «دشمنان ملت»، «عاملان استکبار و نظام سلطه»، به نوعی بیانگر این گفتمان بود.^۱ در نتیجه، تحت سیطره چنین گفتمانی و غلبه نگاه سیاسی بر نگاه علمی، چنین مباحثی چندان مجال بروز و طرح نیافتند. اما به نظر می‌رسد با فاصله گرفتن از سال‌های نخستین انقلاب و ایجاد ثبات نسبی در کشور، پرداختن دقیق و عالمانه به این پرسش ضروری است.

۳. کارآمدی جرم‌انگاری قاچاق مواد مخدر

دانش اقتصاد به سبب کمیت‌گرایی و صورت‌گرایی وحدت‌بخشی که از کاربرد فرمول حاصل می‌شود، نه تنها موقعیت خود را در میان علوم اجتماعی ارتقا بخشیده است

۱. این گفتمان که در سال‌های آغازین انقلاب در میان مسئولان و حتی بخش قابل توجهی از مردم پذیرش داشت، به نوعی بحث درباره شرعی بودن سیاست‌های سرکوبگرانه در قبال خرید و فروش مواد مخدر را به سمت شرعی بودن مجازات اعدام برای قاچاقچیان سوق داد. در واقع با غلبه بحث انطباق عمل قاچاقچیان با عنوان مجرمانه افساد فی الارض و لذا شرعی بودن حکم اعدام، اساساً فضایی برای تردید در خصوص مجرمانه بودن یا نبودن اصل عمل خرید و فروش مواد مخدر نماند. نکته قابل تأمل این است که امام خمینی اعتقادی به مفسد فی الارض بودن اکثر قاچاقچیان نداشت. این عدم اعتقاد فقهی ایشان به حد افساد، باعث شد مسئولانی که اعدام را چاره کار می‌دانستند، تلاش کنند زمینه را برای رجوع محاکم به نظر فقهی آیه‌الله منتظری فراهم نمایند که اعدام شخص مفسد را جایز می‌دانست (حدادزاده نیری، ۱۳۹۷: ۶۰-۶۲).

(مردیها، ۱۳۹۶: ۱۱۹)، بلکه به امپراتوری در حال گسترشی بدل شده است که قلمرو خود را به طرح و تحلیل بسیاری از مسائل اجتماعی از جمله بزهکاری بسط داده است (عربی و علوی، ۱۳۹۲: ۸). یکی از نقش‌های کلیدی اقتصاد در مطالعه سیاست‌گذاری اجتماعی، ارائه مجموعه‌ای از ابزارهای مفهومی است (اسمیت، ۱۳۹۳: ۸۹۹) که کارآمدی از مهم‌ترین آن‌هاست (همان: ۹۰۷).

کارآمدی^۱ و اثربخشی^۲ مفاهیم متفاوتی هستند، ولی اغلب مترادف یکدیگر به کار می‌روند. گاهی نیز بین آن‌ها خلط صورت می‌گیرد و نویسندگانی که می‌خواهند بین مفهوم آن‌ها تمایز قائل شوند، از واژگان متفاوتی برای هر کدام استفاده می‌کنند.^۳ در سال‌های اخیر، بررسی کارآمدی در حوزه جرایم مواد مخدر، مورد توجه برخی پژوهشگران قرار گرفته است. رساله دکتری محمد حدادزاده با عنوان «تحول کیفر اعدام در جرایم مواد مخدر و ارزیابی اثربخشی آن»، یکی از پژوهش‌های قابل تحسین در این زمینه است. البته نویسنده، اثربخشی و کارآمدی را مترادف هم و به معنای رسیدن به اهداف و نتایج مورد نظر دانسته و اثربخشی مجازات را به صورت «میزان دستیابی نظام عدالت کیفری به اهداف از قبل تعریف‌شده از رهگذر اعمال کیفر» تعریف کرده است (حدادزاده نیری، ۱۳۹۷: ۲۰). در نهایت نیز با بررسی سه شاخص تعداد

1. Effectiveness.

2. Efficiency.

۳. برای بیان معادل فارسی دو اصطلاح انگلیسی effectiveness و efficiency، فرهنگ معاصرپویا چنین برابرنهادهایی را پیشنهاد داده است (باطنی، ۱۳۹۶). برای effectiveness، تأثیر، تأثیرگذاری، اثربخشی، کارایی، و برای efficiency، کفایت، لیاقت، قابلیت، توانایی، کارایی، بازده. برخی نویسندگان، «کارایی» را نائل آمدن به نتیجه متوقعه بدون اتلاف منابع از قبیل وقت، انرژی، پول و امثال این‌ها تعریف کرده و «اثربخشی» را درجه و میزان نیل به اهداف تعیین شده دانسته‌اند؛ ولی مشخص نکرده‌اند که کدامی ک را برابرنهاده کدام اصطلاح انگلیسی دانسته‌اند (جعفرقلیخانی، ۱۳۹۴: ۴۱۷-۴۱۸). برخی نویسندگان، effectiveness را به کارآمدی و efficiency را به کارایی ترجمه کرده‌اند. کارآمدی و اثربخشی را مترادف یکدیگر دانسته و در مفهوم کسب هدف‌های تعیین شده و رضایت خاطر کسانی که در رسیدن به اهداف نقش دارند، معنا کرده‌اند و کارایی را به معنای به کارگیری و تخصیص منابع تولید، در استفاده از منابع تولید و صرف حداقل هزینه برای هر میزان تولید دانسته‌اند (اخوان کاظمی، ۱۳۹۳: ۲). همین دو استناد، اختلاف دیدگاه‌ها و تشتت معنایی در استفاده از اصطلاحات کارآمدی، کارایی و اثربخشی را نشان می‌دهد.

مصرف کنندگان، وضعیت زندانیان مواد مخدر و میزان کشفیات مواد مخدر، چنین نتیجه گرفته است که سیاست کیفری اتخاذشده، و به طور خاص پیش‌بینی مجازات اعدام نتوانسته است در امر قاچاق مواد مخدر خلل جدی ایجاد کند (همان: ۲۱۲).

بدیهی است که بررسی کارآمدی جرم‌انگاری قاچاق مواد مخدر^۱ به سبب گستردگی قلمرو بحث، تنوع فنون ارزیابی^۲ و ضرورت مطالعات میدانی ملی، از توان نوشتار حاضر خارج است؛ ولی به نظر می‌رسد با تمرکز بر هدف غایی جرم‌انگاری قاچاق مواد مخدر، بتوان چشم‌اندازی اجمالی از کارآمدی این جرم‌انگاری را نشان داد. در واقع، چنانچه کارآمدی در مفهوم عام آن، به معنای درجه و کیفیت رسیدن به مجموع اهداف مطلوب تعریف شود (سامتی و رضوانی، ۱۳۸۰: ۱۲۰)، به نظر می‌رسد در چنین برداشت عامی از کارآمدی، مفهوم اثربخشی نیز مستتر است. در واقع آنچه که اهمیت اصلی و اولیه دارد، رسیدن به هدف است، اما علاوه بر آن، کیفیت رسیدن نیز مهم است که البته سنجش آن بسیار دشوارتر از سنجش میزان رسیدن به هدف است. در هر صورت، اهمیت هدف به عنوان نقطه مشترک هر دو مفهوم، تمرکز بر آن را تا حدودی موجه می‌سازد. از آنجا که هر قانونی یک هویت هدفدار است (الماسی و حبیبی درگاه، ۱۳۹۰: ۱۱)، پرسش اصلی این است که هدف یا اهداف قانون‌گذار از جرم‌انگاری

۱. هرچند قرائن کلی برای تشخیص این ناکارآمدی کم نیستند، ولی برای بیان دقیق و علمی، نیازمند مطالعه و پژوهش هستند. شاید اشاره به این نکته خالی از فایده نباشد که برخی نویسندگان با مطالعه تطبیقی سیاست جنایی ایران و آمریکا در برابر مواد مخدر، ناکارآمدی سیاست جنایی مربوط به جرایم مواد مخدر در هر دو کشور را علی‌رغم سیاست‌ها و برنامه‌های کم و بیش یکسان اتخاذشده در آن‌ها، یکی از دلایل اصلی توجیه‌کننده بررسی مقایسه‌ای سیاست جنایی این دو کشور به ظاهر متفاوت در برابر معضل مواد مخدر دانسته و اظهار داشته‌اند که راهبرد کاهش عرضه به معنای طرحی از اقدامات هماهنگ جهت رسیدن به اهدافی معین، در عمل با بحران مواجه بوده و توان حل مسئله یعنی مهار فعالیت‌های بزهکارانه مربوط به قاچاق مواد مخدر و کاهش آن را نداشته است (مؤذن‌زادگان و فرجی، ۱۳۹۷: ۴۱-۴۷).

۲. به طور کلی، تنوع و گستردگی تعاریف و مفهوم‌سازی‌ها در خصوص کارآمدی چنان متنوع و وسیع است که گزینش شاخص‌هایی دقیق و ثابت را برای تعیین کارایی در سیستم کیفری دشوار می‌سازد (قاسمی کهریزسنگی و فرجیها، ۱۳۹۴: ۳۵). تحلیل هزینه، مهم‌ترین روش محاسبه کارآمدی است که خود ترکیبی از فنون مختلف مانند تحلیل هزینه منفعت (CBA=Cost Benefit Analysis)، تحلیل هزینه کارآمدی (CEA=Cost Effectiveness Analysis)، تحلیل هزینه سودمندی (CUA=Cost Utility Analysis) و تحلیل هزینه امکان‌پذیری (CFA=Cost Feasibility Analysis) است (اسمیت، ۱۳۹۳: ۹۰۷).

قاچاق مواد مخدر چه بوده است؟ پرسش‌های بعدی این خواهند بود که آیا با گذشت چندین دهه، جرم‌انگاری قاچاق مواد مخدر توانسته است اهداف مورد نظر را محقق کند یا خیر؟ با فرض تحقق اهداف مورد نظر،^۱ پرسش بعدی می‌تواند این باشد که آیا هزینه‌های صرف شده برای اجرای سیاست جنایی مورد نظر در قبال عنوان مجرمانه ابداعی قانون‌گذار، در کنار هزینه‌های ناشی از پیامدهای نامطلوب و ناخواسته اجرای سیاست مزبور، توجیه‌پذیر هستند؟ یا مجموع این هزینه‌ها بیشتر از هزینه‌هایی است که جامعه در صورت عدم جرم‌انگاری و مبارزه کیفری متحمل می‌شود؟^۲

آنچه که مسلم است، هدف غایی در سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، به حداقل رساندن مصرف مواد مخدر خواهد بود. تأمل در اظهارات برخی متولیان مبارزه با مواد مخدر نشان می‌دهد که همین هدف غایی، مدّ نظر سیاست‌گذار جنایی ایران بوده است. ولی تصور می‌کرده‌اند که برای نیل به این هدف باید با شدت هر چه تمام، و به اقتضای ایام با نوعی قهر انقلابی، با عرضه مقابله کنند تا در سطح جامعه موادی موجود نباشد که به مصرف برسد. به بیان دیگر، دسترس ناپذیر کردن مواد در جامعه، هدف اصلی جرم‌انگاری قاچاق مواد مخدر بوده است. بنا به اظهارات دبیرکل اسبق ستاد مبارزه با مواد مخدر، راهبرد مبارزه جدی و شدید با قاچاق مواد مخدر، با این پیش فرض آغاز شد که اگر مواد مخدر در کشور وجود نداشته باشد، معضل مواد مخدر حل خواهد شد. در نتیجه، در کنار تدابیری مانند تقویت مرزها، با تمامی قاچاقچیان حتی خرده‌فروشان به شدت مبارزه شد تا موادی نباشد که به دست مصرف‌کنندگان برسد (احمدی مقدم، ۱۳۸۹: ۵). به نوعی تلاش شد هدف کاهش میزان مصرف مواد، از رهگذر کاهش عرضه مواد مخدر در جامعه حاصل شود. اما شواهد نشان می‌دهند که هیچ‌کدام از این دو هدف محقق نشده‌اند.

در خصوص مصرف که قرار بوده با جرم‌انگاری قاچاق مواد مخدر و مبارزه شدید

۱. البته به صورت نسبی، چون تحقق کامل اهداف تقریباً غیر ممکن است.

۲. برخی پژوهش‌ها در کشورهای غربی تصریح دارند که «شواهد نشان می‌دهند سیاست‌های سختگیرانه مواد مخدر به رغم فواید بسیار ناچیز، هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی فراوانی به همراه داشته‌اند» (آردیت و کلینتوک، ۱۳۹۷: ۶۹۰).

با آن و از رهگذر کاهش میزان مواد مخدر عرضه شده در جامعه، روند کاهشی داشته باشد، طبق شواهد موجود، هدف مورد نظر چندان محقق نشده، بلکه در مقاطعی، روندی رو به افزایش داشته است. البته در خصوص آمارهای رسمی و غیر رسمی مصرف، اختلاف‌های فاحشی وجود دارد؛ به گونه‌ای که از سوی برخی نویسندگان، اعتبار چنین آمارهایی مورد تردید قرار گرفته است (فرجیها و مقدسی، ۱۳۹۳: ۲۸).^۱ اما صرف نظر از چنین اختلافاتی، قدر متیقن آمارها نیز نشانگر گستردگی مصرف است. برخی مطالعات نشان می‌دهند که از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۷ سوء مصرف مواد مخدر، هر ۱۲ سال دو برابر شده است. مقایسه نرخ رشد سوء مصرف با نرخ رشد جمعیت در این دوره زمانی بیست ساله نشان می‌دهد که میزان رشد سوء مصرف مواد، بیش از سه برابر نرخ رشد جمعیت بوده است (رحیمی موقر، محمد، و محمدرزقی، ۱۳۸۱: ۱۷۲). در سال‌های اخیر نیز با توجه به وجود دو میلیون و هشتصد هزار مصرف کننده مواد مخدر در کشور، به نظر نمی‌رسد اوضاع رو به بهبود بوده باشد. نکته مهم در این خصوص آن است که برخی مطالعات نشان می‌دهند بین دسترس پذیر بودن مواد و میزان مصرف آن‌ها رابطه مستقیم وجود ندارد. برای مثال، یافته‌های پژوهشی که در خصوص «مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی در بین دانشجویان دانشگاه‌های دولتی در سال تحصیلی ۱۳۸۲-۱۳۸۱» انجام شده است، نشان می‌دهند که ۶۰ درصد دانشجویان، تریاک را از نزدیک دیده و ۳۳ درصد دانشجویان، تجربه حضور در مجالس مصرف مواد مخدر را داشته‌اند؛ در حالی که تنها ۱۰ درصد دانشجویان، تجربه مصرف حداقل یک بار تریاک را در طول عمر داشته‌اند (سراجزاده و فیضی، ۱۳۸۶: ۸۵). معنای ضمنی چنین یافته‌هایی این است که مواد مخدر به وفور در جامعه وجود دارد و قابل دسترس است. به همین سبب نیز نویسندگان تصریح کرده‌اند که «مواد مخدر به آسانی در دسترس بسیاری از دانشجویان بوده است» (همان: ۱۰۵). نگارنده بر این باور نیست که در دسترس بودن مواد مخدر، تأثیر زیادی بر میزان مصرف

۱. برای مثال، دو مقام مسئول در ستاد مبارزه با مواد مخدر و وزارت بهداشت همزمان با یکدیگر، آمار معتادان را به ترتیب کمتر از ۲ میلیون نفر و بیش از ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار اعلام می‌نمایند (فرجیها و مقدسی، ۱۳۹۳: ۲۸). برخی نیز تعداد مصرف کنندگان مواد را بین ۳ تا ۸ میلیون نفر برآورد کرده‌اند (سراجزاده و فیضی، ۱۳۸۶: ۸۶).

آن داشته باشد.^۱ اما ظاهراً تصور ذهنی سیاست‌گذاران مبارزه با مواد مخدر چنین بوده است که دسترس ناپذیر کردن مواد مخدر، باعث کاهش مصرف خواهد شد. داده‌ها و شواهد نشان می‌دهند که این هدف نیز محقق نشده است. پژوهش‌هایی که در خصوص مصرف مواد مخدر صورت گرفته‌اند، به شکل غیر مستقیم به دسترس‌پذیر بودن مواد مخدر و حتی سهل‌الوصول بودن آن به ویژه برای نوجوانان و جوانان (علایی‌خرابیم و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰۱) اشاره کرده‌اند.

به نظر می‌رسد عدم اذعان به شکست در کنترل عرضه مواد مخدر در سطح جامعه، که هدف اصلی و مستقیم جرم‌انگاری قاچاق مواد مخدر بوده است، باعث سوق یافتن گفتمان رسمی به مسیرهایی انحرافی شده است. برای مثال، برخی اختلاف‌نظرها و مباحثات در خصوص میزان عرضه مواد مخدر در جامعه و دسترس‌پذیری آن، به نوعی طنز تلخ شباهت یافته است^۲ که البته به شکلی غیر مستقیم، نشانگر فراوانی عرضه مواد مخدر در جامعه و عدم تحقق هدف اولیه سیاست‌گذار جنایی، علی‌رغم تحمیل تمامی هزینه‌های گزاف مبارزه کیفری با تولید و توزیع مواد مخدر به جامعه است. در مجموع می‌توان گفت که هدف اصلی جرم‌انگاری قاچاق مواد مخدر، یعنی کاهش عرضه و هدف غایی آن، یعنی کنترل مصرف مواد مخدر، با پاک کردن چهره جامعه از این

۱. برخی نویسندگان نیز اشاره کرده‌اند که اغلب، در دسترس بودن مواد، در کنار برخی علت‌های دیگر، صرفاً به عنوان توجیهی برای کمی کردن پدیده چندعاملی مصرف مواد مخدر و نوعی تقلیل‌گرایی ناصواب مورد دستاویز قرار می‌گیرد (فرجیها و الله‌وردی، ۱۳۹۳: ۱۰۰).

۲. رئیس شورای هماهنگی مواد مخدر استان تهران در واکنش به سخنان رسول خضری عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی در مورد دسترسی آسان به مواد مخدر و اینکه زمان دسترسی به مواد مزبور ۶ دقیقه است، گفت که بر اساس تحقیقات، میزان دسترسی به مواد ۵۸ دقیقه است (خبرگزاری تسنیم، ۱۹ تیر ۱۳۹۸). این در حالی است که در همان ایام، مسئول حوزه کارمندی و کارگری ناحیه بسیج سپاه اسلام آباد غرب در نشست پیشگیری از اعتیاد اظهار می‌دارد که امروزه زمان دستیابی به مواد مخدر از ۲۵ دقیقه به ۳ دقیقه کاهش یافته است (خبرگزاری فارس، ۲۲ مرداد ۱۳۹۸). حجة‌الاسلام نوروزی سخنگوی کمیسیون حقوقی مجلس شورای اسلامی نیز یک سال قبل اعلام کرده بود که دسترسی به مواد مخدر، از خرید یک بسته سبزی آسان‌تر شده و زمان دسترسی به مواد مخدر که قبلاً ۱۵ دقیقه بود، به ۷ دقیقه کاهش پیدا کرده است (مشرق‌نیوز، ۱۲ مرداد ۱۳۹۷). در پایان همان سال نیز رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر تهران بزرگ اعلام کرده بود که زمان دسترسی به مواد مخدر در تهران به ۲ ساعت افزایش پیدا کرده است و فردی نمی‌تواند زیر ۲ ساعت در تهران، مواد مخدر تهیه کند (خبرگزاری مهر، ۱۲ اسفند ۱۳۹۷).

«گردهای شیطانی»، آن گونه که مورد نظر قانون‌گذار بوده، محقق نشده است.

نتیجه‌گیری

ارزیابی اعتبار یک جرم‌انگاری از حیث مؤلفه‌های سه‌گانه آن یعنی قانونیت، مشروعیت و کارآمدی می‌تواند به پویایی سیاست جنایی کمک نماید. معیار قانونیت، نقش اراده عمومی در جرم‌انگاری را بیشینه می‌سازد و باعث افزایش شفافیت و وضوح مجموعه بحث‌ها و ملاحظات و دیدگاه‌ها در خصوص آن می‌شود. در پرتو معیار مشروعیت، انطباق جرم‌انگاری با مبانی و ریشه‌های اعتقادی یک جامعه و نیز ارزش‌های مورد پذیرش در یک جامعه بیشتر می‌شود و در نهایت معیار کارآمدی، بسترساز سنجش عالمانه و محققانه آثار، مزایا و معایب احتمالی یا پیامدهای ناگوار یک جرم‌انگاری، از لنز شاخه‌های مختلف و متکثر علوم جنایی می‌شود. این گونه است که سیاست جنایی در قبال یک بزهکاری خاص می‌تواند صیقل بخورد و از حیث ارزش شناختی و علمی، درست و سنجیده باشد. ارزیابی اعتبار جرم‌انگاری قاچاق مواد مخدر به عنوان هسته مرکزی و نقطه ثقل سیاست جنایی افتراقی کنونی در قبال قاچاق مواد مخدر، کارنامه مطلوبی از آن ارائه نمی‌دهد. به نظر می‌رسد تدوین پیش‌نویس قانون جامع مبارزه با مواد مخدر و ایجاد فضایی برای استفاده مناسب از ظرفیت‌های علمی - پژوهشی دانشگاهیان، فعالان اجتماعی، سمن‌ها و نهادهای تخصصی ذی‌ربط و حتی افکار عمومی، مسیر روشن‌تری را برای سیاست جنایی در قبال مواد مخدر و به ویژه اصلاح جرم‌انگاری قاچاق مواد مخدر فراهم خواهد ساخت. در این زمینه، جدای از مباحث نظری مربوط به قانونیت و مشروعیت، توجه به بحث کارآمدی باید از اهمیت خاص برخوردار باشد. توسعه چشمگیر علوم جنایی به ویژه جرم‌شناسی و سیاست جنایی در سال‌های اخیر و شمار قابل توجه پژوهشگران دوره‌های تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها، فرصت مناسبی را فراهم می‌سازد تا با انجام پژوهش‌های نظری و میدانی، سنجیدگی پاسخ‌دهی به قاچاق مواد مخدر، با مطالعه جرم‌شناختی دسته‌های مختلف قاچاقچیان از یک‌سو و استفاده مناسب‌تر از سایر ضمانت‌اجراهای غیر کیفری از سوی دیگر، بهترین راهکارهای ممکن برای کنترل مواد مخدر شناسایی و اجرایی شوند.

کتاب‌شناسی

۱. آردیت، جویس ای.، و چارلز مک کلینتوک، «سیاست مواد مخدر و خانواده‌ها: آسیب‌های ناشی از جنگ»، در: *دانشنامه جرم‌شناسی محکومان*، به کوشش عباس شیری، تهران، میزان، بهار ۱۳۹۷ ش.
۲. احمدپور، اکبر، «درنگی بر فروش گوشت حرام به کافران»، *فصلنامه مطالعات اسلامی: فقه و اصول*، سال چهل و هفتم، شماره پیاپی ۱۰۳، زمستان ۱۳۹۴ ش.
۳. احمدی مقدم، اسماعیل، «گفتگوی ویژه با دکتر اسماعیل احمدی مقدم، مشاور رئیس‌جمهور و دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر»، *تشریح ایران پاک*، شماره ۳۱، مرداد ۱۳۸۹ ش.
۴. اخوان کاظمی، بهرام، «بررسی تطبیقی جایگاه کارآمدی در نظریات توسعه غربی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت، اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳ ش.
۵. ارسطا، محمدجواد، و مهدی ممی‌زاده، «مسئولیت مدنی ناشی از تقنین»، *دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق اسلامی*، سال نوزدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ ش.
۶. اسعدی، سیدحسن، «بررسی مبانی فقهی در جرایم مواد مخدر»، در: *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر*، مجموعه مقالات برگزیده، تهران، روزنامه رسمی، ۱۳۷۹ ش.
۷. اسمیت، کوین بی.، «فنون اقتصادی»، در: *مایکل مورن و دیگران (ویراستاران)*، *دانشنامه سیاست‌گذاری عمومی*، ترجمه محمد صفار، تهران، میزان، بهار ۱۳۹۳ ش.
۸. اکبری، حسین، «مطالعه نظری - عملی کیفر مرگ در حقوق مواد مخدر ایران»، در: *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر*، سخنرانی‌های داخلی، تهران، روزنامه رسمی، ۱۳۷۹ ش.
۹. اکبری، عباسعلی، «بررسی و نقد سیاست جنایی حاکم بر جرایم مواد مخدر در ایران با تأکید بر اصلاحیه سال ۱۳۸۹ قانون مبارزه با مواد مخدر»، *دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری*، سال پنجم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ ش.
۱۰. اکبری‌جور، ریحانه، *امکان‌سنجی اجرای سیاست کیفری کشور پرتغال در قبال جرایم مواد مخدر در ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۹۴ ش.
۱۱. الماسی، نجادعلی، و بهنام حبیبی درگاه، «بررسی اصول حاکم بر قوانین کارآمد از منظر تحلیل اقتصادی حقوق»، *فصلنامه حقوق خصوصی*، دوره هشتم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰ ش.
۱۲. باطنی، محمدرضا، *فرهنگ معاصر یویا*، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۹۶ ش.
۱۳. برهانی، محسن، و رسول احمدزاده، «معیارهای ناظر بر شناسایی مفسد فی الارض با تأکید بر جرائم مواد مخدر»، *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، دوره چهل و هشتم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ ش.
۱۴. بهره‌مند، حمید، «جرم اقتصادی در حقوق ایران: از تعریف تا پاسخ‌ها»، در: *سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی (مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی سیاست جنایی ایران در زمینه جرایم اقتصادی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی)*، به کوشش امیرحسین نیازپور، تهران، میزان، زمستان ۱۳۹۷ ش.
۱۵. تابش، یعقوب، هاشم آقاجری، و عطاءالله حسنی، «تأثیر فرمان منع مسکرات شاه‌تھماسب اول بر مصرف افیون در دوره اول حکومت صفوی (۹۰۷-۹۹۶ ق.)»، *فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران*، دوره بیست و هفتم، شماره ۳۳، بهار ۱۳۹۶ ش.

۱۶. جعفرقلیخانی، ابوالفضل، *قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در ترازوی حکمرانی خوب*، سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۹۴ ش.
۱۷. جلاذتی، محمدمهدی، «رابطه شریعت و قانون در جمهوری اسلامی ایران؛ گذر از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب»، در: *چکیده مقالات همایش بین‌المللی تحولات حقوق کیفری کشورهای اسلامی در پرتو تعامل شرع و حقوق*، ۱۴ و ۱۵ اسفند ۱۳۹۷، تهران، میزان، زمستان ۱۳۹۷ ش.
۱۸. جوان‌جعفری بجنوردی، عبدالرضا، و محمدصالح اسفندیاری بهرآسمان، «نگرشی جامعه‌شناسانه بر تحولات مجازات اعدام مجرمان مواد مخدر»، *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، سال هفتم، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۹۷ ش.
۱۹. حدادزاده نیری، محمدرضا، *تحول کیفر اعدام در جرایم مواد مخدر و ارزیابی اثربخشی آن*، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، آبان ۱۳۹۷ ش.
۲۰. خانعلی‌پور واجارگاه، سکینه، «کنشگران فرایند قانون‌گذاری کیفری ایران در حوزه فساد و جرایم اقتصادی»، در: *سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی (مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی سیاست جنایی ایران در زمینه جرایم اقتصادی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی)*، به کوشش امیرحسین نیازپور، تهران، میزان، زمستان ۱۳۹۷ ش.
۲۱. دبیرنیا، علیرضا، و فاطمه‌سادات نقوی، «تطبیق فرایند تقنین در نظام جمهوری اسلامی ایران با نظریه قانون‌گذاری به مثابه برنامه‌ریزی در راستای اجرای قوانین الهی»، *فصلنامه دانش حقوق عمومی*، سال هفتم، شماره ۱۹، بهار ۱۳۹۷ ش.
۲۲. درزی، مهرانه، محمد جعفری هرنندی و محمدصادق موسوی، «تأثیر عرف بر احکام حجاب و پوشش زنان مسلمان»، *فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، سال پانزدهم، شماره ۵۵، بهار ۱۳۹۸ ش.
۲۳. دهقان حسام‌پور، مهدی، محمدعلی رنجبر، «تجاری شدن تریاک در اقتصاد ایران دوره قاجار (۱۲۱۰-۱۳۴۴ ق.)»، *فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران*، دوره بیست و ششم، شماره ۳۱، پاییز ۱۳۹۵ ش.
۲۴. ذبحی، حسین، *شرح جامع قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۱۳۶۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی در نظم حقوقی جدید* (دو جلد)، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۵ ش.
۲۵. همو، «گفتگو با حسین ذبحی، معاون قضایی دادستان کل کشور»، *نشریه ایران پاک*، شماره ۱۰، آبان ۱۳۸۷ ش.
۲۶. رحمدل، منصور، «تحولات سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در زمینه مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره هفتم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۵ ش.
۲۷. همو، *حقوق کیفری مواد مخدر*، چاپ چهارم، تهران، دادگستر، تابستان ۱۳۹۵ ش. (الف)
۲۸. همو، *سیاست جنایی ایران در قبال مواد مخدر*، چاپ چهارم، تهران، سمت، زمستان ۱۳۹۵ ش. (ب)
۲۹. رحیم‌نظری، فرزین، «حاصل حضور در اجلاس کمیسیون مواد مخدر سازمان ملل»، *نشریه ایران پاک*، شماره ۱۳۴، اسفند ۱۳۹۷ ش.
۳۰. همو، «ضرورت گفتمان‌سازی اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر»، *نشریه ایران پاک*، شماره ۱۱۹، آذر ۱۳۹۶ ش.
۳۱. رحیمی موقر، آفرین، و کاظم محمد، و عمران محمدرازی، «روند ۳۰ ساله وضعیت سوء مصرف مواد در ایران»، *نشریه حکیم*، دوره پنجم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۱ ش.
۳۲. رسکتی، محمدمهدی، و علی بابایی مهر، «الگوی رژیم پارلمانی در نظام مبتنی بر حاکمیت الهی و

- ولایت فقیه در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره چهل و نهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۸ ش.
۳۳. زویر، ریچارد، و استفان شومن، *درمان رویارویی مجازات اعتیاد*، برگردان زهرا فرهادی آلاشتی، تهران، میزان، پاییز ۱۳۹۸ ش.
۳۴. زینالی، توحید، *جرایم قاچاق مواد مخدر در رویه دادگاه‌ها*، تهران، چراغ دانش، ۱۳۹۶ ش.
۳۵. ساداتی، سیدمحمدجواد، و رحیم نوبهار، «تأملی در زمینه‌های شکل‌گیری سیاست کیفری سختگیرانه در دهه نخست انقلاب اسلامی ایران»، *نشریه فقه و حقوق اسلامی*، سال نهم، شماره ۱۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ ش.
۳۶. سامتی، مرتضی، و محمدعلی رضوانی، «بررسی کارایی دانشگاه‌های بزرگ دولتی ایران با استفاده از روش DEA»، *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۵۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۰ ش.
۳۷. سراج‌زاده، سیدحسین، و ایرج فیضی، «مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی در بین دانشجویان دانشگاه‌های دولتی در سال تحصیلی ۱۳۸۲-۱۳۸۱»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۵، تابستان ۱۳۸۶ ش.
۳۸. شیخی نصرآبادی، مجیدرضا، «جستاری در روش‌شناسی حرمت تکلیفی معاملات ممنوعه از دیدگاه امام خمینی»، *فصلنامه مطالعات اسلامی: فقه و اصول*، سال چهل و هفتم، شماره پیاپی ۱۰۲، پاییز ۱۳۹۴ ش.
۳۹. صادقی، ولی‌اله، *کیفرزدایی در ایران؛ نظریه و رویه*، تهران، مجد، ۱۳۹۷ ش.
۴۰. صبوری‌پور، مهدی، «تحلیل ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر (مصوب ۱۳۹۶) از منظر کارکرد بازدارنده کیفر»، در: *افق‌های حقوق کیفری، نکوداشت‌نامه استاد دکتر حسین آقایی‌نیا*، تهران، میزان، پاییز ۱۳۹۸ ش.
۴۱. طغرانگار، حسن، «مرزهای شکننده سیاست جنایی»، در: *دایرةالمعارف علوم جنایی*، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، میزان، ۱۳۹۲ ش.
۴۲. همو، «نامشروعیت مواد مخدر یا نامشروعیت قاچاق مواد مخدر»، *دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری*، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ ش.
۴۳. عربی، سیدهادی، و سیداسحاق علوی، *کلیات علم اقتصاد*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، زمستان ۱۳۹۲ ش.
۴۴. علایی خرایم، رقیه، پروین کدیور، شهرام محمدخانی، غلامرضا صرامی، و سارا علایی خرایم، «میزان شیوع مصرف سیگار، قلیان، مشروبات الکلی و مواد مخدر و محرک در میان دانش‌آموزان دبیرستانی»، *فصلنامه اعتیادپژوهی سوءمصرف مواد*، سال پنجم، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۹۰ ش.
۴۵. علم، محمدرضا، و فاطمه حاجی‌آبادی، «واکنش تجار در برابر قانون تحدید تریاک بر اساس اسناد مجلس شورای اسلامی (۱۳۰۶-۱۲۸۹ ش.، ۱۹۲۷-۱۹۱۰ م.)»، *پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی*، دوره پنجم، شماره ۱ (پیاپی ۹)، بهار و تابستان ۱۳۹۵ ش.
۴۶. غلاملو، جمشید، «تحلیل عوامل بی‌عدالتی کیفری در جرایم مواد مخدر»، *مجله حقوقی دادگستری*، سال هشتاد و دوم، شماره ۱۰۳، پاییز ۱۳۹۷ ش.
۴۷. فرجیها، محمد، و فرهاد الله‌وردی، «رویکرد جرم‌شناسی فرهنگی به تغییر الگوی مصرف مواد مخدر در میان جوانان»، *دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری*، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۷، بهار و تابستان ۱۳۹۳ ش.

۶۴. وکیل، امیرساعد، و پوریا عسگری، *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در نظم حقوق کنونی*، تهران، مجلد، ۱۳۹۴ ش.
۶۵. هاشمی، سیدحسین، و کاظم میرزایی نژاد، «مبانی فقهی حرمت استعمال مواد مخدر»، *فصلنامه اعتیادپژوهی سوءمصرف مواد*، سال دوازدهم، شماره ۴۷، پاییز ۱۳۹۷ ش.
۶۶. هاشمی، سیدمحمد، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، چاپ بیست و پنجم، تهران، میزان، ۱۳۹۳ ش.
67. Bouquemont, Clémence, *La Cour pénale internationale et les Etats-Unis*, Paris, l'Harmattan, 2003.
68. Ost, François, Michel van de Kerchove, *De la pyramide au réseau. Pour une théorie dialectique du droit*, Bruxelles, Publications des Facultés universitaires Saint-Louis, 2002.
69. Pourzand, Pejman, *L'internationalisation pénale en matière de trafic de drogue*, Paris, L.G.D.J., 2008.
70. Toghranegar, Hasan, *La politique criminelle iranienne à l'épreuve du crime organisé: l'exemple du trafic de drogue*, Thèse de doctorat, Paris 1, 2012.